

ایکونوگرافی نماد پلنگ و مار در آثار جیرفت (هزاره‌ی سوم قبل از میلاد)

جلال‌الدین رفیع‌فر

استاد گروه انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

jrafifar@ut.ac.ir

مهران ملک

دانشجوی دکترای دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۳۰، تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۴/۱۳

(از ص ۷ تا ۳۶)

چکیده

برخی آثار باستانی، حامل ارزش‌ها و پیام‌های نهادینه‌ایست که بر اساس باورها و اعتقادات بشر کهن، در قالب آثار هنری و در تار و پود نقش‌های آن‌ها، تجسم یافته‌اند و برای درک معنایی این نقوش کهن، نیاز به شناخت مؤلفه‌های نمادینی است که زمانی، چون زبان کلامی، معنایی مشخص در فرهنگ‌های کهن داشتند و به نوعی بازنمودی از باورهای اسطوره‌ای بودند. در این راستا ایکونولوژی می‌کوشد تا مؤلفه‌های نمادین را که به صورت مکرر و مسلط و بر اساس فرهنگ‌های گوناگون، بازنمایی یافته‌اند، با ارایه‌ی روشی علمی تفسیر نموده، و معنای این مؤلفه‌ها را روشن و بر اساس تحلیل و رده‌بندی ایکونوگرافیک آن‌ها، به ارزش‌های نمادین فرهنگی دست یابد. مؤلفه‌های نمادین در نظام نمادین زبانی به شکل کلامی، تصویری و یا رفتاری خود را باز می‌نمایند و اگرچه ایکونولوژی پژوهشی درباره‌ی محتوای تصاویر است، اما اساساً در پی ارتباط این مؤلفه‌ها در نظام گسترده‌تر نمادین فرهنگی است. این مقاله می‌کوشد به یاری روش ایکونوگرافی به درک معنایی نقش نمادین پلنگ و مار در دست ساخته‌های سنگ کلریتی جیرفت (هزاره سوم ق.م) بپردازد. در این راستا، پیش از هر چیز نیاز به درک بافت فرهنگی این دوران و شیوه‌های بازنمود باورهای آن است. به همین منظور از طریق ایکونوگرافی به باور مسلط ایزدبانوی بزرگ در این دوران و تأثیر و تأثر چنین باوری در نقش‌مایه‌های تصویری به‌ویژه نقش پلنگ و مار خواهیم پرداخت. **کلیدواژگان:** ایکونولوژی، ایکونوگرافی، اسطوره، جادو، ایزدبانو، پلنگ و مار.

مقدمه

واژه‌ی یونانی آیکون^۱ و معادل لاتین آن یعنی ایماژ^۲، دال بر نحوه‌ای از شباهت است، در تحلیل معنا شناختی، آیکون با مفاهیمی هم‌چون ادراک، تخیل، شباهت و تصویر هم‌راه است، آیکون تصویر حسی صرف نیست بلکه از پشتوانه ادراکی، فکری و فرهنگی (نمادین) برخوردار است، یعنی بهره‌مند از شباهت معنایی با نماد است نه شباهت ظاهری، بدین جهت بحث از آیکون مندرج در بحث نشانه‌شناسی^۳ است، در این راستا سه واژه‌ی آیکون، نماد و نشانه را با یک مفهوم می‌نگریم (پیراوی، ۱۳۹۰: ۵۲).

از سویی آیکونوگرافی و آیکونولوژی، روش‌های مطالعاتی در حوزه‌ی تاریخ هنر محسوب می‌شوند که جهت یافتن محتوا و دلالت معنایی تصویر، به تجزیه و تحلیل آن می‌پردازند، روش آیکونوگرافی شامل گردآوری، طبقه‌بندی و تحلیل اطلاعاتی است که از یک اثر هنری حاصل می‌گردد (Lash, 1996: 89)، و در پی آن آیکونولوژی که بر بنیان‌های حاصل از بررسی آیکونوگرافیک استوار است، بسیار جامع و فراگیر بوده، و به دنبال باورها و درک دنیای افکار، و ارزش‌های فرهنگی آشکار در تصاویر است (Altet, 2002: 24).

به عبارتی در روش آیکونوگرافی، نه به خالق سبک یک اثر هنری بلکه به تجزیه و تحلیل محتوای تصویر می‌پردازد. سابقه تاریخی این روش به فیلوستراتوس^۴ در قرن سوم میلادی با کتاب آیکون‌ها باز می‌گردد که به پیروی از روش اکفراسیس^۵ به تدریس می‌پرداخت. این رساله در قرون پانزدهم و شانزدهم میلادی در ایتالیا، بارها به چاپ رسید و نه تنها در این کشور بلکه در دیگر کشورهای اروپایی با اقبال چشمگیر روبرو شد. اگر چه این اثر به بررسی آیکونوگرافیک تاریخ هنر، در معنای معاصر آن، نمی‌پردازد اما بیان‌گر کهن‌ترین گرایش به تجزیه و تحلیل محتوای تصویر است. در این امتداد، این شیوه تفسیر تصاویر، با انتشار کتاب آیکونولوژیا در باب رسالات سزار ریپا^۶ در دوره رنسانس ادامه یافت؛ این دو مورد، بیشتر کوششی جهت درک معنایی تصاویرند و نمی‌توان آن‌ها را به‌عنوان روش علمی آیکونولوژی در معنای امروزی آن بر شمرد. اما در اواخر قرن نوزدهم میلادی اِبی واربورگ^۷، روش علمی پژوهش‌های آیکونوگرافی را نه تنها به موضوعات دینی و دنیوی سوق داد بلکه توانست گستره‌ی تعیین‌کننده‌ی روش‌های آیکونوگرافیک را در جهت دادن به دانش هنر و تاریخ فرهنگی هنر به گونه‌ای فراگیر به کار گیرد، این روش بعدها آیکونولوژی نامیده شد (مختاریان، ۱۳۹۰). با این حال هنوز آیکونولوژی تا سال ۱۹۳۲، با مباحثی که اروین پانوفسکی^۸ مطرح کرد هنوز به روش علمی مدونی تبدیل نشده بود. پانوفسکی نه تنها به تفاوت میان آیکونوگرافی و آیکونولوژی می‌پردازد، بلکه با ارایه‌ی مراحل سه‌گانه در تفسیر تصویر، آیکونوگرافی را تحلیل تصاویر و

1. Ikon-Icon.

2. Image.

3. Semiotics

4. Philostratus.

۵. کلمات Ekphrasis یا Ecphrasis در دوران باستان به توصیف هر چیز، شخص یا رویداد اطلاق می‌شود.

6. Cesare Ripa

۷. معلم تاریخ هنر در هامبورگ: Aby Warburg

8. Ervin Panofsky.

ایکونولوژی را تفسیر تصاویر مطرح می‌کند (مختاریان، ۱۳۹۰: ۱۱۰). پانوفسکی، طی سه مرحله‌ی توصیف پیش ایکونوگرافیک، تحلیل ایکونوگرافیک و تفسیر ایکونوگرافیک یا ایکونولوژی، به بررسی تصویر می‌پردازد، و این رهیافت گام به گام به شناسایی و تفکیک سه لایه‌ی معنایی اولیه، ثانویه و محتوایی می‌انجامد و با هدف دریافت پیام‌های پنهان در ورای عناصر ملموس اثر هنری به تحلیل و کشف زوایای ناشناخته باورها، اعتقادات و جهان بینی مستتر در عناصر تصویری، مبادرت می‌ورزد (عبدی، ۱۳۹۰: ۸۴). مرحله معنای اولیه یا طبیعی، بیانی است که در آن فرم‌های ناب شناخته می‌شود، و شامل شکل‌های گوناگونی از خط، رنگ، اشیاء، انسان و... و روابط متقابل آن‌ها به‌عنوان رویدادهاست، در مرحله دوم معنای ثانوی یا قرار دادی شکل می‌گیرد و آن زمانی است که نقش‌مایه‌های هنری با موضوعات^۱ یا مفاهیم ارتباط می‌یابند، و ما از آن‌ها به‌عنوان داستان، حکایت^۲ یا تمثیل یاد می‌کنیم، تشخیص چنین تصویرها یا داستان‌ها یا تمثیل‌هایی در حوزه ایکونوگرافی، هدف ایکونوگراف در معنای دقیق آن است، به‌نظر می‌رسد که این مرحله، هم در تفسیر نمادهای زبانی (ادبیات) و هم در نمادهای تصویری در بسیاری از موارد خود نتیجه به‌شمار می‌آید. اما پانوفسکی معنای سوم نیز قایل است که به آن معنای واقعی یا محتوایی می‌گوید و معتقد است که این معنا هنگامی صورت می‌بندد که سازه‌های اصلی بنیادهای فکری، دینی، عقیدتی و فلسفی یک ملت شناسایی شود، به عبارتی هنگامی که ما فرم‌های خالص، نقش‌مایه‌ها، تصویرها، داستان‌ها، افسانه‌ها و تمثیل‌ها را به‌عنوان تجلی اصول اصلی درک می‌کنیم، همه این عناصر را به‌عنوان همان چیزی در می‌یابیم که ارنست کاسیرر^۳ ارزش‌های نمادین می‌نامد. درک این ارزش‌های نمادین که گاه برای خود هنرمند روندی ناخودآگاه است، ایکونولوژی در معنی اخص آن به‌شمار می‌آید (Panofsky, 1980: p.33,34).^۴ با توجه به توضیح فوق درباره ایکونوگرافی در این‌جا کوشیده می‌شود به یکی از نقوش به‌دست آمده از یافته‌های جیرفت بپردازیم.

آن چه در جیرفت گذشت

در زمستان سال ۱۳۷۹، شماری از ساکنان حوزه هلیل‌رود و به‌طور اخص جیرفت، در منطقه جنوب‌شرقی ایران واقع در استان کرمان، به حفریات غیرقانونی در گورستان‌های متعلق به‌هزاره سوم پیش از میلاد (آستانه ورود به شهرنشینی و آغاز تمدن است) پرداخته، و آثار باستانی ارزشمندی را که تعداد آن قابل تخمین نیست، به تاراج بردند. اطلاعات ما در محدوده‌ی اشیای مکشوفه در حفریات باستان‌شناسی، حاکی از آن است که این اشیاء شامل دست ساخته‌هایی از فلز، سفال، سنگ، کتیبه‌های گلی و معماری بوده که در بین آن‌ها، آثار سنگ کلریتی^۵ از لحاظ کمیت و نیز کیفیت نقوش، بسیار شاخص و دارای نقوشی چون انسان، حیوان، موجودات ترکیبی، گیاهان، بنای معماری و... هستند (مجیدزاده، ۱۳۸۲: ۳۳).

1. Theme.
2. A anecdote.
3. Ernst Cassirer.
5. Chlorite

۴. بر گرفته از: (مختاریان، ۱۳۹۰: ۱۱۱-۱۱۰).

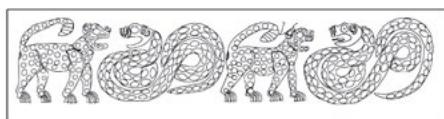
نقش‌مایه‌ی مورد تحقیق

در بین نقوش جانوری مختلف در آثار سنگ کلریتی جیرفت، از جمله: گاو، بز، گوسفند، عقاب، کرکس و... می‌توان به (تصویر ۱) اشاره نمود. در این تصویر اسطوره‌ای، نقش نمادین پلنگ، در حالی که ماری در مقابل آن تصویر شده، و یا ماری را به چنگال گرفته است، مشاهده می‌شود. تصویر چالش میان پلنگ و مار، از جمله نقوشی است که در آثار جیرفت، به کرات مشاهده می‌شود. دلیل انتخاب نماد پلنگ و مار و دلالت معنایی آن‌ها پرسشی است که جویای پاسخ آن هستیم. در راستای این پژوهش، مسائلی چند اهمیت می‌یابند؛ در تحلیل آیکنوگرافیک، در پی کنکاش در گونه‌های تاریخی و نمادین مشابه و مرتبط، و نیز با استفاده از دانش منابع ادبی و مفاهیم و مضامین مرتبط، به ریشه‌یابی، مطابقت و رده‌بندی موضوع مورد بحث پرداخته می‌شود. بر این اساس بنا به عدم توانایی خوانش کتیبه‌های به‌دست آمده از حفاریات جیرفت و نیز کمبود و فقدان منابع ادبی در ایران و محدوده‌ی جیرفت در هزاره سوم پیش از میلاد، نماد شناسی تطبیقی، منبع بسیار مهم و اصلی در جمع‌آوری اطلاعات است، که علاوه بر بررسی نماد به ریشه‌یابی تاریخی آن می‌پردازد.

از سوی دیگر، نماد شناسی تطبیقی از لحاظ بعد مکانی، محدود به منطقه ایران نمی‌گردد و بنا به ارتباطات وسیع فرهنگی-تجاری-سیاسی جیرفت در هزاره چهارم و سوم پیش از میلاد با تمدن‌های هم‌جوار از جمله بین‌النهرین، هند و... (رفیع‌فر، ۱۳۸۶: ۴۶)، ناگزیر به پژوهش در نمادهای مشابه و مرتبط در این تمدن‌ها بوده، و نیز در سیر زنجیره وار ارتباطات، مکلف به تحقیق در تمدن‌های مرتبط با این نواحی است، علاوه بر این، در راستای آیکنوگرافی، جهت دستیابی به لایه‌های زیرین نقش و تجزیه و تحلیل محتوای تصویر، و یافتن دلالت معنایی نقوش، ملزم به بازسازی بافت فرهنگی (دین، زبان، معیشت...) در هزاره سوم پیش از میلاد هستیم (ایران و تمدن‌های مرتبط)، تا فضای موثر در شکل گرفتن نقش نمادین مورد تحقیق، تجسم یابد، که این امر کمک شایانی در روند نماد شناسی تطبیقی نیز به‌شمار می‌رود. مسئله دیگری که در این تحقیق اهمیت می‌یابد، دوره زمانی شکل‌گیری نقش مورد پژوهش است که مصادف است با سپیده‌دم



تصویر ۱: (مجیدزاده، ۱۳۸۲: ۷۶، ۸۵).



دوران مفرغ^۱، یعنی زمانی که باور مسلط در فرهنگ جوامع، از جمله ایران و منطقه مورد پژوهش ما، جیرفت، بنا به تحقیقات و شواهد بسیار، ایزدبانوان بزرگ^۲ هستند که به‌عنوان کهن‌الگو^۳ مطرح شده، و ریشه در دوران پارینه‌سنگی جدید^۴ دارند، بدین سان در پی بررسی نماد پلنگ و مار، در جستجوی یافتن ارتباط میان این دو نماد با ایزد بانوان و ریشه یابی آن‌ها از دوران پارینه‌سنگی، نیز هستیم. حال پس از اشاره ای به نمادهای جانوری، به بررسی نماد پلنگ و مار پرداخته و در امتداد آن کنکاشی در ارتباطات مفهومی آن‌ها با ایزدبانوان خواهیم داشت.

نمادهای جانوری

نقوش جانوری از جمله نقش‌هایی است که به‌طور مسلط و مکرر در بسیاری از تمدن‌های باستانی از جمله ایران مشاهده شده است، فیلسوف شهیر کاسیر بر این اعتقاد است که در سیر پرستش بشر ابتدایی، شاهد آنیم که در مرحله‌ای بشر، جانوران را مقدس شمرده، و می‌پرستیده است، مانند پرستش انواع پدیده‌ها و چیزهایی که در محیط پیرامونش با آن‌ها روبرو می‌شد و کاسیر از آن‌ها به‌عنوان خدایان لحظه ای یاد می‌کند و به مرور این پرستش به‌سوی خدایان کارکردی (بر اساس منافع و کارکردشان در زندگی) سوق می‌یابد (کاسیر، ۱۹۲۵: ۷۶-۷۵). بنابر این جانوران بر اساس استفاده‌ی بشر از گوشت، پوست، استخوان و به‌طور کلی منافع بسیارشان، و از سویی ترس از درنده‌خویی یا صفات مرگ بار آن‌ها، مقدس شمرده شده، پرستش می‌شدند و شکلی جادویی^۵ و به عبارتی قدرت‌های الهی یافتند، اما در این امتداد بشر با درک بیشتر از خویش، در ابتدا خود را در شکل و قالب جانوران و سپس جانشین آنان می‌کند. بر این اساس در روند تاریخ هنر با ایزدان و ایزدبانوانی با شکل‌های حیوان، انسان-حیوان و انسان، مواجه می‌شویم. از سوی دیگر در سطور پیشین به‌جادوی حیوانات اشاره گردید، در این ارتباط جیمز فریزر^۶ پژوهشگر مردم‌شناسی که بر مبنای اسطوره‌شناسی تحقیقات گسترده‌ای را انجام داده است، جادو را به دو نوع تقسیم می‌کند، نوع اول یا جادوی مسری (قانون تماس) و نوع دوم یا جادوی هومیوپاتی (قانون شباهت) است، و در این راستا بشر کهن با استفاده از جادوی دوم، حیوانات را، جهت جادو، شکار آن‌ها و افزایش تعدادشان و از سویی برای استفاده از قدرت‌های خدای گونه‌ی آن‌ها، تصویر می‌کرد که به‌صورت‌های حیوان، انسان-حیوان و... در دست ساخته‌های دوران باستان مشاهده می‌گردند (فریزر، ۱۸۹۰: ۱۲۰)، از جمله، نقوش ایزدبانوان که به‌همراه و یا به شکل‌های حیوانی و یا دارای اعضای از آن‌ها مشاهده می‌شوند. حال در همین راستا به بررسی دو نماد جانوری یعنی پلنگ و مار می‌پردازیم.

۱. (Bronze age): در حدود زمانی ۳۰۰۰-۱۵۰۰ ق.م. که بشر با استفاده از مس و برنز، ابزار می‌سازد، این دوره پیش از دوره‌ی آهن است.

2. Great goddess..

3. Archetype.

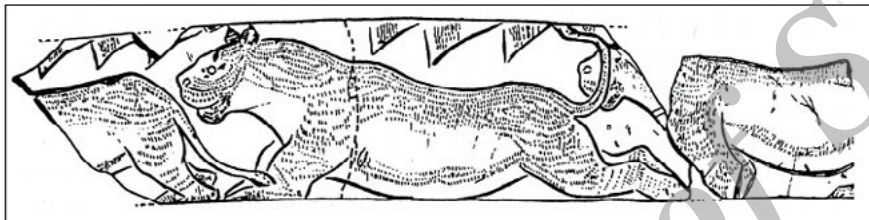
۴. (Upper Paleolithic): در حدود زمانی ۳۵۰۰۰-۱۴۰۰۰ ق.م. که در این دوره انسان کرومانیون با استفاده از سنگ، علاوه بر ابزارهای خام سنگی، آثار هنری می‌آفریند (رفیع‌فر، ۱۳۸۱: ۲۱-۲۲).

۵. در این ارتباط جادو به‌وسیله بازنمود هنری، توسط بشر کهن برای تسلط یافتن بر نیروی پدیده‌ها به‌وجود آمد (کاسیر، ۱۹۲۵: ۷۵)

6. Jamse George Frazer.

نماد پلنگ^۱ (گره‌سانان)^۲

گره‌سانان در گروه جانورانی هستند که در طول تاریخ هنر، از دوران پیش از تاریخ، به شکل‌ها و ترکیب‌های گوناگون بر آثار کهن، نقش گشته‌اند. این موجودات که به صورت‌های پلنگ، شیر، ببر^۳ و گربه^۴ مشاهده می‌شوند، تقریباً مفاهیمی مشابه داشته، و گاهی تشخیص نوع آن‌ها مشکل است و در این ارتباط بعضی محققین، حتی نقش‌هایی را که ظاهراً پلنگ هستند، ماده شیرانی تزیین شده می‌دانند^۵. بنابراین در این نوشتار هر یک از توصیفات در ارتباط با گره‌سانان با مفهوم پلنگ یکسان دانسته می‌شود. از جمله نقش‌مایه‌های پلنگ که از دوران پارینه‌سنگی بر جای مانده است و در منطقه آریج^۶ فرانسه یافت شده است، می‌توان به (تصویر ۲) اشاره نمود: نقشی حکاکی شده بر استخوان، شامل تصاویری از گره‌سانانی است که به صورت نیم خیز به دنبال هم در حرکتند.



تصویر ۲: (Bahn & Vertut: 1997: p.152).

پلنگ حیوان رمز آمیزی است و این خصوصیت با زندگی منزوی و تنهای او تشدید می‌شود (Hodder, 2006: p.11)، او در تمدن‌های گوناگون، مفاهیمی چون درنده خویی، بی پروایی، تهور، سرعت، دورویی، قدرت جنسی به‌خود اختصاص داده است (Cirlot, 2002: p.181)، و بنا به این که خال‌های روی بدن او به چشم شباهت دارند، به نگهبان بزرگ معروف شده است (کوپر، ۱۹۷۸: ۷۵).

از سوی شیر نیز نمادی از اقتدار، خورشید، نور، سلطان حیوانات، قدرت، عقل و عدالت است اما در عین حال نشانه غایت غرور و خود پسندی است (شوالیه، گبران، ۱۹۶۹: ۱۱۱)، شیرها نگهبانان نمادین پرستشگاه‌ها، آرامگاه‌ها و قصرها بودند و تصور می‌رفت، درنده خویی آن‌ها باعث دور کردن تاثیرات زیان آور است؛ پیدا شدن شیر در هنر مصر، بین‌النهرین و ایران باستان نشان می‌دهد که این حیوان روزگاری در آن مناطق می‌زیسته، و تصویر آن با گسترش دین بودایی به خاور دور انتقال یافته است (هال، ۱۹۵۶: ۱۱) به‌طور کلی گره‌سانان سمبلی از درنده خویی، شجاعت و تهورند، و ببر مانند پلنگ، دارای قدرت و شجاعت شیر است اما اهمیت خورشیدی ندارد (Cirlot, 2002: p.181)، بدین سان از دوران باستان، گره‌سانان برای بشر کهن، اهمیت زیادی داشته‌اند، از سوی از درنده خویی آن‌ها می‌هراسیده، و از سوی دیگر از اجزاء بدن آن‌ها از جمله جمجمه و استخوان‌ها و خصوصاً پوست آن‌ها، سود جسته و به کرات استفاده می‌کرده

1. Leopard Symbol
2. Feline
3. Tiger
4. Cat

۵. از جمله (کریم، ۱۸۹۷: ۲۴۵)، (HODER: 2006, P.11) و ...

6. Ariege

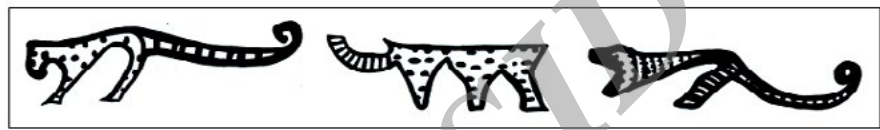


تصویر ۳: (Hodder, 2006, p.94).

تصویر ۴: نقش پلنگ بر ظروف سفالی تپه حصار، هزاره‌ی سوم ق.م. (Pope: 1969, v.1, p.185).

است، در تصویر ۳، گروهی از انسان‌های شکارچی مشاهده می‌شوند که پوست پلنگ به دور کمر خود بسته و یا در دست گرفته‌اند این تصویر متعلق به آناتولی^۱ است، منطقه‌ای که دارای نقوش کهن بسیاری از پلنگ است که در ارتباط با آن توضیح خواهیم داد.

در این راستا، تصاویر متعددی از گربه‌سانان بر آثار کهن بشر نقش بسته‌اند، از جمله در ایران (تصویر ۴) که شاهد نقوشی از گربه‌سانان هستیم، در نمونه‌ای از آن‌ها، نقش پلنگی در حال ادرار کردن^۲، همراه با نمادهایی از آب و باران، نقش شده است و احتمالاً گویای ارتباط این نمادها با یکدیگر است (تصویر ۵). در (تصویر ۶) نیز، نقوش گربه‌سانان در دیگر تمدن‌های باستانی قابل مشاهده است.



تصویر ۶ - الف: گربه‌سانی است مربوط به مصر باستان، اواخر هزاره‌ی دوم ق.م. ب: نقوشی از پلنگ متعلق به ترکمنستان در دوران باستان است. پ: نقشی از پلنگ و مار از ترکیه، متعلق به پیش از هزاره‌ی سوم ق.م. است.

اما دیری نپایید که پلنگ و به عبارتی گربه‌سانان، بر اساس توانایی‌ها و قدرت‌های چشمگیر، قدرت جنسی و توالد بسیار، تهور و بی‌باکی و در عین حال ظرافت، به‌عنوان همراه و محافظ ایزدان و ایزدبانوان انتخاب شدند و نیز نشانه‌ای از بزرگان و پادشاهان شدند، و در تأیید این سخن، نقوش پلنگ‌هایی است که در معابد از جمله معبد سومری عوقیر^۳ (هزاره‌ی سوم ق.م.) تصویر شده‌اند (تصویر ۷) و گویای ارتباط ایزدبانوان با گربه‌سانان است، و به عبارتی به‌عنوان نمادی از آنان تصویر شده‌اند (Binsbergen, 2003: p.12). حال بر اساس نقش منتخب در آثار جیرفت، یعنی چالش میان پلنگ و مار، پس از بررسی نماد پلنگ که در پیش آمد، به نماد مار می‌پردازیم.



تصویر ۵: پلنگ و نماد آب و باران (Ibid: v.7).

تصویر ۶: الف (Bourriau: 1988, p.117) ب (Masson & Sarianidi: 1972, pic16) پ (Collon: 1988, p.14).



پ

ب

الف

نماد مار

مار مهم‌ترین، پیچیده‌ترین و احتمالاً از قدیمی‌ترین نمادهای حیوانی است (Tresidder, 1998: p.184) و از دوران پارینه‌سنگی بر آثار کهن نقش بسته است

1. Anatolia

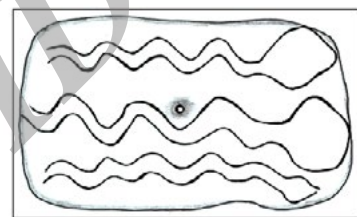
۲. علاوه بر پلنگ، تصویر بز نیز در حال ادرار کردن در کنار نماد آب تصویر شده است.

3. Uqair.

(تصویر ۸)، حالت موجی شکل بدنش، موج آب را تداعی می‌کند و از این لحاظ که پیدا و نا پیدا می‌شود با ماه در ارتباط است، از سویی شماره‌ی حلقه‌هایش به تعداد شب‌هایی است که قرص ماه دیده می‌شود و یا چون که پوست می‌اندازد، یعنی نوبه به نوبه احیا می‌شود، بی مرگ است و چون تجدید حیات می‌شود، بنابر این از نیروها و قوای ماه است، علاوه بر این بنا به ارتباط با ماه و ریزش باران، با رشد گیاهان نیز مرتبط شده و با دنیای زیرین نیز ارتباط می‌یابد، از سویی به خاطر داشتن فرم فالوس^۱ و نماد باران و... با باروری و حاصل خیزی نیز مرتبط می‌گردد و بدین اعتبار، مار بخشنده‌ی باروری، دانایی و حتی جاودانگی است (Frazer, 1919: V1, p.66)، الیاده^۲ در این ارتباط معتقد است نماد مار، نمادی با مفاهیم گسترده و متنوع به‌شمار می‌رود، معما و رمز گونه بودن مارها و مفهوم دوسویه آن‌ها منجر شده است که انسان درک و تشخیص متناقضی از مار داشته باشد (Eliade, 1987: V.13, p.370). مار دارای مفاهیمی مانند: آب، حاصل خیزی، باروری، زن، آلت ذکور، درخت، ماه، تجدید حیات، عقل، سلامتی، قدرت و... و از سویی با مفاهیمی چون پلیدی، خیانت، خطر، گناه، شیطان، مرگ و... پیوند می‌خورد (Mattison, Chris. Snake, 1999: p.14-31).



تصویر ۷: (کریم، ۱۳۹۷: ۲۴۴).



تصویر ۸: نقش سه مار در مالتا سیبری، ۱۶۰۰ تا ۱۳۰۰ ق.م. (Bar-ing & Kashford: 1993, P.23)

بدین‌سان مار، از یک سو به‌عنوان شیطان و بدخواه و باعث مرگ و از سویی سودمند و حتی تا مرز خدایی، بزرگ و والاست (Eliade, 1987: V.13, p.370)، جان‌ناس، پژوهشگر دین، معتقد است که در میان جانوران، پرستش مار، خواه به‌صورت افعی پیچان، خواه به‌صورت اژدهایی بالدار، به صدها نوع و شکل مختلف در نزد غالب اقوام عمومیت دارد (ناس، ۱۳۸۰: ۲۱).

مار به‌عنوان نمادی از آب، موجودی پنهان در ژرفای اقیانوس‌ها و انباشته از آن نیروی قدسی موجود در اعماق انگاشته می‌شد و از این رو باروری جهان، از طریق ایجاد بارندگی و نمناکی و سرازیر شدن سیلاب در ید قدرت و حیطة ضبط و اختیار او قرار داشت، علاوه بر این مار-آب (یا باران) نشانه‌ای از دو واقعیت ماه هستند. افسانه‌ها و اساطیر بی‌شماری از مارانی حکایت می‌کنند که ابرها را در حیطة ضبط و اختیار خود دارند و جهان را سیراب می‌کنند، به عبارتی اژدها (مار) در ابرها و دریاچه‌ها خانه دارد و موکل صاعقه است، آب‌های آسمانی را به‌سوی زمین سرازیر می‌کند و موجب باروری کشت و بارگیری زنان می‌شود. مار، نگهدار چشمه‌های آب حیات، بی مرگی، قداست و نیز همه نشانه‌ها و علائم مربوط به زندگی، باروری، قهرمانی، بی‌مرگی و گنجینه‌ها به‌شمار می‌رود؛ در واقع به‌دنبال همین افسانه‌ها نیز بود که مردمان آب را در ظرفی مارسان نمایش داده، یا آن را ریزان از ظرفی، به شکل مار تصویر می‌نمودند، (الیاده، ۱۳۸۵: ۱۷۳، ۲۰۴، ۲۰۷).

علاوه بر این، ظهور مار در هر بهار، همراه با نوزایی سبزه‌ها و گیاهان، موجب این تصور شده بود که مار با نیروهای محبوس در دل زمین نیز هم‌چون اعماق آب پیوند و همبستگی دارد و از این طریق باز بر نقش او به‌عنوان عامل باروری تأکید می‌شد (دوبوکور، ۱۳۷۳: ۵۴)، مار در این مفهوم، جزء ضروری نیایش‌ها و مراسم آیینی به‌شمار می‌آمد، رقص مار، نمونه‌ای از این گونه مراسم بود که در بسیاری از نقاط دنیا به‌منظور نشو و نمای گیاهان انجام می‌شد و مار

۱. آلت ذکور.

2. Mircea Eliade.

در آن به‌عنوان سمبل حاصل‌خیزی زمین و فراوانی باران به کار می‌رفت (جابز، ۱۳۷۰: ۱۲۷).

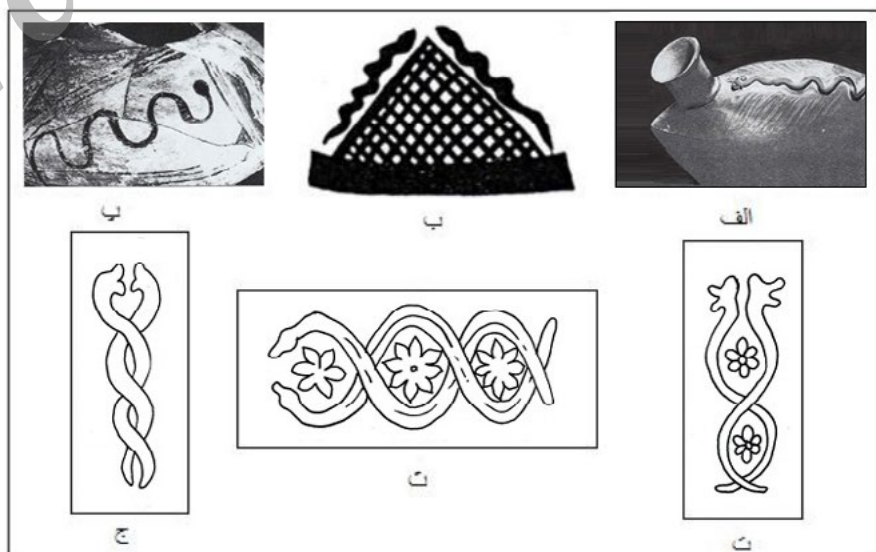
در این راستا، گولان، که در ارتباط با نمادها تحقیق کرده، می‌افزاید که نقش‌مایه‌ی مار، نشانه‌ای از نماد آب است و هر دو به‌وسیله خطوط موجی شکل به تصویر کشیده می‌شوند، علاوه‌بر این، دو مار در هم تنیده نیز نشانه‌ای از آب و باروری است، این نقوش در هزاره سوم و دوم ق.م در تمدن‌هایی چون ایران، بین‌النهرین، ترکمنستان، روسیه، چین و ... قابل مشاهده است (Golan, 205,206, 1991: pp) به عبارتی نماد مار از جمله نمونه‌های بسیار خوب جهت ستایش زندگی است، سمبلی مهم و قوی که نشانه‌ی نیروی زندگی است، قداست مار بنا به فرم خاص جسمش نیست بلکه به خاطر انرژی و واضحی است که این آفریده موجی شکل از خود به جهان اطرافش متصاعد و انتقال می‌دهد (Gimbutas, 1998: p.121).

بر این اساس نقش‌مایه‌ی مار بر روی بسیاری از آثار کهن بشر نقش گردیده است، در ایران باستان، نماد مار مانند بسیاری از تمدن‌های وابسته به کشاورزی که پدیده‌های جوی در آن اهمیت به‌سزایی دارند، نشانه‌ای از آب، رود، جویبار، باروری و حاصل‌خیزی است و در عین حال جانوری خطرناک و کشنده است (Go-lan, 2003: p.175). در این ارتباط گذار از سنگ‌های منقوشی در لرستان از دوران باستان می‌گوید که دارای طرح ظروفی از آب هستند که به‌جای دو باریکه‌ی ریزان آب، دو مار از آن‌ها روان است (گذار، ۱۹۶۵: ۴۳). در مجموعه‌ی (تصویر ۹)، نماد مار به‌عنوان نمادی از نیروی آب، باران و باروری در دست ساخته‌های ایران و تمدن‌های باستانی مشاهده می‌شود.

بدین‌سان دیری نپایید که نماد مار با داشتن مفاهیم گسترده و پیچیده؛ هم‌راه، نشانه و محافظ ایزدان و ایزدبانوان گشت. اما در راستای پژوهش حاضر هم‌چنان که گذشت، در زمان شکل‌گیری آثار جیرفت که به پیش از هزاره‌ی سوم بازمی‌گردد، بر اساس نظریه‌ی محققین بسیاری، باور مسلط در فرهنگ

تصویر ۹: (گذار، ۱۹۶۵: ۴۳)، الف:

نماد مار شاخدار به نشانه آب، بر روی ظرف آب از البرز، متعلق به ۲۴۰۰-۲۲۰۰ ق.م (گذار، ۱۹۶۵: ۱۸). ب: نماد مار به نشانه رود از شوش، هزاره سوم ق.م (Pope: 1969, V.2, p.841). پ: نقش مار بر روی ظرف آب از اروپای شرقی، تریپولی، متعلق به دوره نوسنگی (Golan: 2003, fig.185). ت: نقش دو مارتنیده به هم و گل لوتوس نشانه‌ی باروری و حاصل‌خیزی از مصر، هزاره چهارم ق.م (Ibid: p.208). ث: نقش دو مار تنیده به هم و گل لوتوس که نمادی از باران و باروری هستند. از شوش متعلق به ۳۳۰۰ ق.م (Abrams: 1992, p.55). ج: دو مار در هم تنیده، نشانه‌ی آب و باروری از هند، پیش از تاریخ (Golan: 2003, p.208).



۱. جیم بوتاس، گولان، بارینگ، کشفورد و ...، که در ادامه این نوشتار از پژوهش‌های ایشان استفاده می‌کنیم.

جوامع، بر اساس شواهد بسیار، ایزدبانوان بزرگ بوده‌اند، بنابراین پس از بررسی مفهوم ایزدبانو و ریشه‌یابی آن، بر اساس روند تحقیق به ارتباط آن با نماد پلنگ و مار می‌پردازیم.

ایزدبانوی بزرگ (پارینه‌سنگی جدید - نوسنگی)

محققین بسیاری از جمله باستان‌شناسان، پژوهشگران ادیان باستانی، اساطیر و ... در مقوله ایزدبانو به پژوهش پرداخته‌اند، آنچه در ذیل خواهد آمد بر راستای روند منطقی تحقیق و ارتباط مباحث با یکدیگر است. بارینگ و کشفورد، متخصصین باستان‌شناسی معتقدند که بر اساس شواهد تاریخی، در دوران پارینه‌سنگی، در حدود زمانی ۲۰۰۰۰ سال ق.م، بشر کهن در مسیر رودخانه‌ها و درون غارها مسکن گزید و به دنبال آن آثاری از خود بر جای گذاشت، از جمله آن‌ها نقش‌های زنانی بر دیواره غارها و صخره‌ها، استخوان‌ها و ابزارهاست، که به وسیله‌ی نقاشی و یا حکاکی، بازنمایی شده، و یا به شکل تندیس‌های کوچک ساخته شده‌اند. تصاویر این زنان غالباً برهنه، بر اساس امر راز آمیز زایش، اغلب باردار بوده، و در اندام‌های زایشی آن‌ها تاکید فراوانی شده است، نمونه‌ی این نقوش در بسیاری از مناطق دنیا بر اساس تاکید بر اهمیت زنان بوده است، همه این آثار، نمایشی از زایش بوده، و این موارد نشانه اهمیت مذهبی این نقش‌ها در قالب ایزدبانوان است (Baring & Cashford, 1993: p.6). پس همان‌گونه که گفته شد در دوران پارینه‌سنگی جدید، نقش برجسته‌ها و تندیس‌های کوچکی در قالب ایزدبانوان مشاهده می‌شوند، در راستای تحقیق، در موارد زیادی این نقش‌ها همراه با جانوران نقش شده‌اند. آندره لورا گوران^۱ متخصص باستان‌شناسی، معتقد است که همراهی شکل‌های انسانی، در هنر ائاث زندگی و چه در دیوارنگاری، همراه با اسب، بز کوهی، مار، خرس، گوزن و... (خواه همراه با یکی یا چند تا) به‌عنوان نشانه‌ی نری و همراهی انسان و گاو وحشی به معنی زاینده‌گی و باروری است (گوران، ۱۳۵۷: ۱۱۲، ۱۰۱).

در ارتباط با ایزدبانوان، شاهد نمونه‌هایی هستیم که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به ویلندورف^۲ در اتریش، نمونه‌های به‌دست آمده از غار براسمپوئی^۳ در فرانسه و همچنین نمونه‌ی به‌دست آمده از مون پازینه^۴ (فرانسه)، گرمالدی^۵ و ساوینانو^۶ (ایتالیا) یا موروانی^۷ (اسلواکی) و کوستینکی-ورنج^۸ در روسیه و بسیاری دیگر نیز اشاره کرد (رفیع‌فر، ۱۳۸۱: ۸۷، ۸۹، ۱۰۹، ۱۱۷، ۱۲۷). علاوه‌بر این در راستای تحقیق با ایزدبانوانی مواجه‌ایم که با نمادهای جانوران، از جمله با اجزایی از گاو همراه‌هستند، از جمله آن‌ها ونوس لوسل^۹ (تصویر ۱۰)، که قدمت آن به ۲۲۰۰۰-۱۸۰۰۰ ق.م می‌رسد، و متعلق به منطقه‌ی دوردوین در فرانسه است، او یک شاخ

۱. André Leroi-Gourhan

2. Willendorf

3. Brassempouy

4. monpazier

5. Grimaldi

6. Savinano

7. Moravany

8. Kostienki Voronej

9. Laussel

گاو نر را در دست گرفته که سمبلی از قدرت فیزیکی، باروری و ازدیاد نسل بوده، و در اعتقاد سرزمین‌هایی چون اسکانندیناوی، ایران، یونان، فلسطین و سلط نیز قابل مشاهده است (Eliade, 1987: p.462). گروهی از محققان بر این اعتقادند که در این نقش، ایزدبانو، با دست چپ به رحم متورم شده‌اش، اشاره دارد و با دست دیگر، شاخ گاو که چون هلال ماه بوده، در دست گرفته، و با سر نیز به آن اشاره دارد، و تأکیدی بر ارتباط زن، ایزدبانو، باروری، هلال ماه و شاخ بوده، و ارتباطی بین زهدان زمینی و ماه آسمانی است، اما لازم به ذکر است که پرستش ایزد بانوان، موضوعی نیست که در زمان و جایگاهی مشخص، تقدس یافته باشد بلکه متعلق به همه زمان‌ها، به صورت‌های گوناگون و نیز همه‌ی مکان‌هاست، گویی جوهره‌ی اساسی از شخصیت انسانی است، نام ایزدبانوی بزرگ یا به‌طور ساده ایزدبانو، تصور مقدسی از مفاهیم زندگی بخش، تغذیه کننده و باززایی قدرت‌های جهانی است (Baring & Cashford, 1993: pp.6-8).

علاوه‌بر این میرچا الیاده می‌گوید که با اختراع کشاورزی توسط زنان و اهلی کردن حیوانات وحشی، بشر گامی جهت تسلط بر محیط خویش برداشت و بدین‌سان اهمیت زنان بسیار شاخص‌تر گشت. در دوران نوسنگی، ایزدبانو برخلاف دوران پارینه‌سنگی که ایزدبانوی بزرگ بر همه امور و پدیده‌ها مسلط بود به‌صورت ایزدبانوان مختلف جهت امور گوناگون که شخصیتی نمایان‌تر داشته، و به‌طور مستقیم در معاش روزانه مردم دخیل بودند، تبدیل و از طرفی با ارتباط سمبولیک ماه، آب، باران و بارگیری زنان و رویش گیاهان، نیز مرتبط گشتند (الیاده، ۱۹۸۵: ۱۶۳، ۱۶۲).

بشر ابتدایی ایزدبانوان را موکلانی آسمانی می‌پنداشتند که با مددگیری از امور جوی و در دست‌گیری زمان و بافتن تقدیر و سرنوشت، کیهان را مفهوم می‌دادند و با نام‌هایی چون ایزدبانوی زمین، مادر، باروری، عشق، حاصل‌خیزی، سرسبزی، جاودانگی، مرگ و جنگ و... همراه گشتند و در بسیاری از آثار هنری نقش یافتند. از سویی در نقوش باستانی، ایزدبانوان همراه با نمادهایی مشاهده می‌شوند، از جمله آن‌ها می‌توان به نمادهای جانوری چون: شیر، پلنگ، مار، ماهی، بز، گاو، قوچ، پرندگان و... و نیز رستنی‌ها، درخت زندگی، گل لوتوس و...، اشیایی را چون خمره، ستون و... برشمرد؛ در این ارتباط ما با مسئله‌ی جانشینی و هم‌نشینی این نمادها مواجه هستیم، یعنی زمانی این نمادها جانشین نماد ایزدبانو شده، و زمانی این نمادها هم‌نشین و همراه با ایزدبانو شده، و معانی متفاوتی را القا می‌کنند. از جمله‌ی ایزدبانوان می‌توان به بعله^۱ و آستارته^۲ در سوریه، فلسطین و لبنان، سیبل^۳، هپات^۴ و ایناراه^۵ در فلات آناتولی، هاتور^۶، ایزیس^۷ و نوت^۸ در مصر، شیوا^۹، سراسوتی^{۱۰}،

1. Bala
2. Astarte
3. Cybele
4. Hepat
5. Inara
6. Hathor
7. Isis
8. Nut
9. Shiva
10. Saraswati

لکشمی^۱ و پارواتی^۲ در هند و دمتر^۳ و آفرودیت^۴ در یونان، پینی کیر^۵ در تمدن عیلام و در زمان متأخرتر به آناهیتا^۶ و اشی^۷ در ایران اشاره نمود (Monaghan, 2010: pp.1-351).

همان‌گونه که در پیش آمد، ایزدبانوان هم‌راه با نمادهای جانوری و یا به شکل آن‌ها مشاهده شده‌اند، در این ارتباط جیم بوتاس^۸، استاد باستان‌شناسی، تحقیقاتی در زمینه‌ی نقش‌مایه‌های مرتبط به ایزدبانو، از جمله نقوش جانوری، در فرهنگ‌های کهن اروپایی داشته که بخشی از یافته‌های آن‌ها متعلق به ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد است. جدای از او محققان دیگری^۹ نیز این حوزه‌ی مطالعاتی را در فرهنگ‌های دیگر پی گرفته و همه به این نتیجه رسیده‌اند که باورهای مرتبط به ایزدبانوی بزرگ یا مادر نزد اکثر فرهنگ‌های دوران باستان بسیار رایج بوده است و در قالب آثار هنری مشاهده می‌شود. از سویی در آغاز پیدایش تغییرات بزرگ عصر نوسنگی دو تصویر نمادین یعنی تصاویر زن و گاو که از فرهنگ ناتوفی (پیش از دوره‌ی کشاورزی در منطقه‌ی خاور نزدیک) به یادگار مانده است، هم چنان حضور دارند و حتی تا مدت‌ها بعد نیز در مناطق مدیترانه‌ی شرقی (لوانت) حضور خود را حفظ می‌کنند. از آغاز نوسنگی است که تصویر زنان در قالب‌های مختلف، خصوصاً اشیای منقول (مجسمه‌ها) به سرعت در سرتاسر خاورمیانه رواج پیدا می‌کند، تا جایی که در حدود هزاره‌ی هفتم ق.م. در ترکیه در منطقه‌ی چتل هیوک^{۱۰}، تصاویر زن و گاو و در غرب ایران، تصویر زن در اکثریت مطلق قرار می‌گیرد. این تصاویر حتی در معماری نیز جایگاه ویژه‌ای را به‌خود اختصاص می‌دهند، تصاویر به‌صورت نقاشی یا نقش برجسته در کنار مجسمه‌هایی از این دست، مجموعه‌ها را کامل‌تر کرده‌اند (رفیع‌فر، ۱۳۸۲: ۱۸۴). از جمله‌ی نمادهای جانوری مهم که در شکل ایزدبانوان، یا به‌عنوان هم‌راه، محافظ و...، نقش شده‌اند، می‌توان به پلنگ (گره‌سانان) و مار اشاره نمود که مرتبط با پژوهش حاضر است. بنابر این به ارتباط ایزدبانوان و این نماد می‌پردازیم.

ایزدبانوان و نماد پلنگ (گره‌سانان)

همان‌گونه که پیشتر گفته شد، نقش‌مایه‌ی گره‌سانان از نمادهای مهم ایزدبانوان است، ایزدبانوان گاه به شکل گره‌سانان، گاه به‌هم‌راه آنان و یا با پوششی از پوست آنان، تجسم یافته‌اند، در این راستا از دوران پارینه‌سنگی جدید، شاهد تجسم گره‌سان‌های انسان‌نمایی هستیم که احتمالاً یازنمودی از ایزدبانوان هستند، در (تصویر ۱۱)، تندیس انسان‌گونه‌ای با سر شیر ماده، از جنس عاج، مشاهده می‌شود که متعلق به دوره‌ی پارینه‌سنگی با قدمت ۲۵۰۰۰ ساله بوده، و در منطقه‌ی غار هولشتاین استادل^{۱۱} در کشور آلمان یافت شده است (رفیع‌فر، ۱۳۸۱: ۵۵).



تصویر ۱۰: (Golan, 2003: p398)



تصویر ۱۱: (Bahn & Vertut, 1997: p.10).

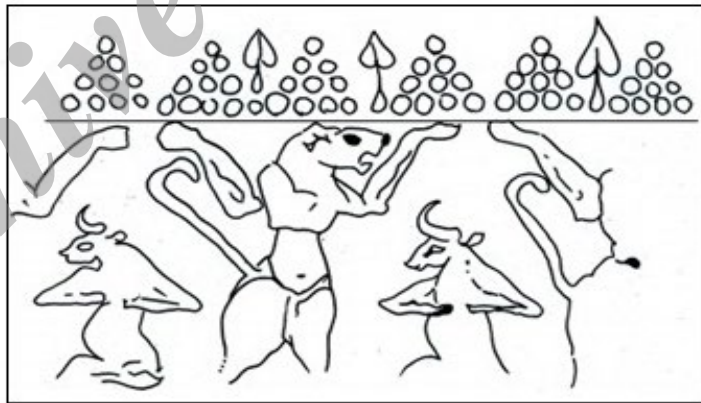
1. Lakshmi
2. Parvati
3. Demetre
4. Aphrodite
5. Pinikir
6. Anahita
7. Ashi
8. Marija Gimbutas
9. Baring, Cashford, Carl Olson, Golan
10. Catalhoyuk
11. Hohlenstein-Stadel

به دنبال آن در دوره‌ی نوسنگی با نقش‌هایی از گربه‌سانان و ایزدبانوان، مواجه می‌شویم که در دو بخش، تمدن ایران و دیگر تمدن‌های باستانی به شرح آن می‌پردازیم.

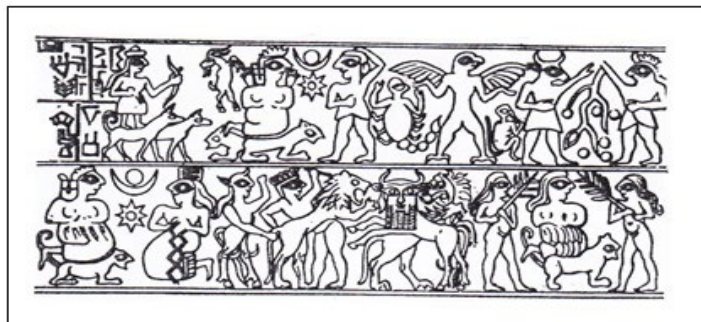
ایزدبانو و نماد پلنگ در تمدن ایران باستان

در ایران باستان مانند بسیاری از تمدن‌های باستانی با تصاویری از ایزدبانو و پلنگ مواجه‌ایم و تنها به تعدادی از آن‌ها می‌پردازیم، در این راستا می‌توان به آثار شوش، متعلق به هزاره‌ی سوم پیش از میلاد اشاره نمود، در اثر به‌جای مانده از یک مهر (تصویر ۱۲)، احتمالاً ایزدبانوانی در شکل شیرهای ماده با فرم انسانی، در دنیای زیرین، نگاه دار کوه‌ها و درختان بر روی زمین هستند. علاوه‌بر این، در نقش مهر دیگری از هزاره سوم پیش از میلاد، متعلق به شوش، نقش ایزدبانوانی که بر روی گربه‌سانانی نشسته‌اند، مشاهده می‌گردد (تصویر ۱۳)، گربه‌سانان گویای قدرت و توانایی ایزدبانوان و نمادی از آنان هستند. در تصویر دیگری از شوش، متعلق به ۲۲۰۰ ق.م، پیکره‌ای از ایزدبانویی به‌نام ناروندی^۱ مشاهده می‌شود، در این تصویر ایزدبانو بر مسندی نشسته است که نقش مایه‌ی شیر، پشت، در طرفین و نیز در زیر پای ایزدبانو در دو طرف گل لوتوس که نماد دیگری از ایزدبانوست مشاهده می‌شود، در این تصویر شیرها علاوه‌بر نشانه‌ای از قدرت ایزدبانو، از او حفاظت کرده، و به عبارتی نشانه‌ی او هستند (تصویر ۱۴).

تصویر ۱۲: (آمیة، ۱۹۸۶: شکل ۳۳).



تصویر ۱۳: (بیانی، ۱۳۶۴: شکل ۱۲۰).



1. Narundi



تصویر ۱۵: (Amiet, 1977: p105).



تصویر ۱۴: (Amiet, 1977: p377).

در این راستا از دیگر مناطقی که نقش ایزدبانو و گربه‌سان بر آثار کهن آن نقش بسته است، می‌توان به لرستان اشاره نمود، در (تصویر ۱۵) نقشی از ایزدبانوی بال‌دار با پلنگ‌ها مشاهده می‌شود، اثر مربوط به هزاره دوم قبل از میلاد بوده، تصویر نشانه‌ای از قدرت ایزدبانو، واز سویی پلنگ‌ها نمادی از او هستند، علاوه‌بر این در (تصویر ۱۶)، نقشی از ایزدبانو به‌همراه نمادهایش هم چون برگ نخل، گل لوتوس و به‌همراه گربه‌سانان در اثر دیگری از لرستان متعلق به هزاره دوم قبل از میلاد، مشاهده می‌شود، در این تصویر نیز گربه‌سانان نقش محافظ و نیز نمادی از او هستند و از این دست تصاویر بسیار است، حال به بررسی نقوش ایزدبانوان و نماد پلنگ در تمدن‌های کهن می‌پردازیم.

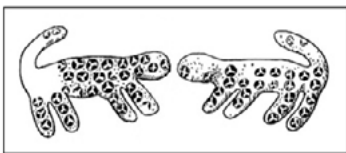
ایزدبانوان و نماد پلنگ در تمدن‌های باستان

در تمدن‌های باستانی، تصاویر فراوانی از نقش نمادین گربه‌سانان به‌همراه ایزدبانوان مشاهده می‌شوند، در منطقه چتل هیوک و حاجیلار، در حوزه‌ی آناتولی، که با ایران باستان ارتباط نزدیکی داشته، و قدمت آن تا هفت هزار سال پیش از میلاد می‌رسد، شاهد تصاویر متعددی از پلنگ به‌صورت‌های گوناگون هستیم، که در صحنه‌های دیواری معابد، مشاهده می‌شوند، از جمله (تصویر ۱۷) که احتمالاً ترجمانی از ایزدبانویی مقتدر است (Akurgal, 1970: p.4). جالب است که با وجود نقش‌های فراوان پلنگ در این ناحیه، طی آخرین بررسی‌های باستان‌شناختی آناتولی، تنها استخوان پنجه یک پلنگ در گور یک زن یافت شده است و مسئله نادر بودن بقایای زیست‌شناختی این موجود، تأکیدی بر نمادین بودن پلنگ، و از سویی یافت شدن یک مورد بقایای پلنگ در گور یک زن، نشانه و تأکیدی از همراهی آن با جنس مؤنث است (Hodder, 2006: pp.259-261). به‌طور کلی ایزدبانو در این مناطق گاه به‌صورت پلنگ، یا در پوششی از پوست پلنگ یا همراه با این جانور تصویر شده است، چنین نمادهایی، ایزدبانو را به‌عنوان بانوی وحوش

1. Hagilar



تصویر ۱۶: (Godard, 1962: p55).



تصویر ۱۷: (Golan, 2003: p565).

نیز مجسم می‌نمود. غالباً در چتل هیوک ایزدان سوار بر گاو نر و ایزدبانو همراه با پلنگ تصویر شده‌اند، (Mellart, 1975: pp. 106-108)، (تصویر ۱۸)؛ سویی در آناتولی یکی از بینش‌های غالب، اندیشه باروری است و بدین سه پیکره‌های مؤنث یا به عبارتی ایزدبانوان در نمود باروری ظاهر می‌شوند، یکی شگفت‌انگیزترین آن‌ها، ایزدانویی بسیار چاق و در حال زایش است، که به‌وسیله دو گربه‌سان (احتمالاً پلنگ) حمایت می‌شود (Oates, 1976: p.87)، (تصویر ۹) در این ارتباط پروفیسور ژاک کوون^۱ معتقد است که تصویر زن در چتل هیوک تصویر یک ایزدبانو است که به‌صورت نقش برجسته‌ی شماتیک و یادمان ماند و از همه مهم‌تر بر روی دیوار یک پرستشگاه، و در حالی که دست‌ها و پاهای از یکدیگر باز شده‌اند در حال زایش یک گاو نشان داده شده است. تعداد بس قابل توجهی پیکرک‌های "ایزدبانوی مادر" از محل‌های باستانی ترکیه به‌دست آمده‌اند که به‌نظر کوون متأثر از فرهنگ موربیت^۲ (سوریه) هستند که در تمامی آن‌ها اندازه‌ی اندام‌های مربوط به باروری از اندازه‌ی حقیقی بزرگ‌تر نمایش داده شده‌اند (Cauvin, 1994). در راستای این تحقیق، از جمله ایزدبانوانی که در دوره نوسنگی در آناتولی، به‌همراه گربه‌سانان مشاهده شده و به‌عنوان ایزدبانوی مادر نیز شناخته می‌شوند، می‌توان به‌هیپات و سیبل اشاره نمود، هیپات ایزدبانوی هیپتیت‌ها^۳، هوری‌ها^۴ و ایزدبانوی شهر حلب^۵ نیز بود و به‌صورت ایستاده بر گربه‌سانی چون پلنگ تصویر می‌شد و سیبل که ایزدبانوی آسیای صغیر بود به یونان راه یافت و معمولاً نشسته بر شیر، نقش می‌یافت (Leick, 1998: p.120). به عقیده ملارت^۶، پس از آناتولی، نقش پلنگ در زمان‌های متأخرتر، در بین‌النهرین مشاهده شده است، به ویژه شاخ گاو نر و صورتک پلنگ، بیان‌گر ارتباط فرهنگی آناتولی با نخستین جوامع بین‌النهرین است (Mellart, 1975: pp. 106-108)، در این راستا تصاویر متعددی از ایزدبانوانی، سوار بر شیر در بین‌النهرین مشاهده می‌شوند، در (تصویر ۲۰)، متعلق به سوریه، ایزدانویی مار به‌دست و ایستاده بر شیر، نقش گردیده است.

از جمله‌ی ایزدبانوان بسیار مشهور در بین‌النهرین، می‌توان به اینانا^۷ / ایشتر^۸ اشاره نمود، از نمادهای همراه این ایزدبانو، نقش مایه‌ی گربه‌سانانی است که به‌طور مکرر مشاهده می‌شوند، گروهی از محققین همراهی این ایزدبانو را با شیر، نمادی از جنگ و مرگ می‌دانند (Caubet & Pouyssegur, 1997: p.188)، در (تصویر ۲۱)، نقشی از این ایزدبانو متعلق به هزاره‌ی سوم پیش از میلاد به‌همراه گربه‌سان مشاهده می‌شود. به‌دنبال آن، در تمدن باستانی هند (تصویر ۲۲) نیز شاهد نقش نمادین گربه‌سانان همراه ایزدان و ایزدبانوان هستیم، بر مهر باستانی هند تصویری از ببر در کنار خدای باروری نقش یافته است (ایونس، ۱۳۷۵: ۱۳-۱۴)، علاوه‌بر این پوست پلنگ از نمادهای ایزدبانوان در هزاره‌ی دوم و اول قبل از

1. J. Cauvin
2. Mureybet

۳. Hitit: قومی باستانی که در آسیای صغیر و سوریه می‌زیستند.

۴. Houry: هوری‌ها یا خوری‌ها مردم باستانی آسیای صغیر و شرق و غرب میان رودان شمالی و سوریه بودند.

۵. Halab: از شهرهای باستانی سوریه، بین فرات و دریای مدیترانه.

۶. James mellart: کاوشگر منطقه آناتولی.

7. Innana
8. Ishtar

می‌توان به دورگا^۱، ایزدبانوی زیبا و خشن که دارای ده دست بوده و سوار بر ببر تجسم می‌یافت، اشاره نمود، این ایزدبانو نمونه خوبی برای شناخت جنبه‌های دوگانه ایزدبانوست (Knappert, 1991: pp. 166-170). از تصاویر متأخر آن می‌توان به (تصویر ۲۳) اشاره نمود ... در دیگر تمدن‌های باستانی نیز نماد گربه‌سانان با ایزدان و ایزدبانوان تصویر شده‌اند، در یونان دیونوسوس^۲ در شکل پلنگ تجسم می‌یافت و سیبل سوار بر شیر نقش می‌گشت، علاوه بر این در کرت، نقشی از دو شیر در حمایت از ایزدبانو بر روی مهر حک شده است (Golan, 2003: pp. 380)، (تصویر ۲۴).



تصویر ۱۸: (Hodder, 2006: p158)

نماد پلنگ در مصر باستان نیز در ارتباط با ایزدبانوان، نقش شده است، ایزدبانوی مفدت^۳ که در امر قضاوت، مرگ و کمک به مردگان نقش دارد، به شکل پلنگ نمایش داده می‌شد، علاوه بر این موت^۴ ایزدبانوی آسمان مصر است، گاهی وی با سر شیرگونه یا گربه‌سان تصویر می‌شد که در این حالت با ایزدبانو سخمت^۵ و باست^۶ (باستت) یگانه دانسته می‌شود (ویو، ۱۳۸۹: ۵۸، ۵۹)، از جمله (تصویر ۲۵) که ایزدبانو سخمت را با سر شیر آرایه می‌دهد و از این دست نقش‌مایه‌های نمادین پلنگ در تمدن‌های باستانی بسیار است...، حال به ارتباط ایزدبانو با نماد دیگر تصویر منتخب جیرفت، یعنی مار می‌پردازیم.



تصویر ۱۹: (Golan, 2003: p565)

ایزدبانوان و نماد مار

همان‌گونه که گذشت، نماد مار از نمادهای رمزآلود، پیچیده و با مفاهیم گسترده بوده، و از جمله نمادهای جانوری است که ارتباط نزدیکی با ایزدبانوان دارد، این ارتباط و نزدیکی به گونه‌ایست که در دوران نوسنگی، با ایزدبانوانی مارگونه مواجه می‌شویم، که ایزدبانو-مار نامیده می‌شوند (تصویر ۲۶)، این تصویر متعلق به کرت، هزاره ششم ق.م. است و (تصویر ۲۷) متعلق به ترکمنستان (نمازگا)، هزاره سوم ق.م. است، در این مجموعه، تصویر ایزدبانو-مارهایی که اجزایی مار مانند دارند، مشاهده می‌شوند. از سویی در این دوران ایزدبانویی به نام ایزدبانو-پرنده وجود دارد که بسیار شبیه به ایزدبانو-مار بوده و گاهی یگانه فرض می‌شوند، آن‌ها بانوی آب‌ها نیز نامیده می‌شوند، خانه آن‌ها میان آب‌های آسمانی است، آن‌ها نیروی تولد زندگی آب‌ها به‌شمار می‌روند (آب نطفه‌هستی است)، (Gimbutas. 1989: 112).

اما از سوی دیگر، مار بنا به مفاهیم بسیار، به صورت‌های گوناگونی با ایزدبانوان در ارتباط است، مار در هر فرهنگی، هرگز از ایزدبانو دور نیست، نزدیک و همراه اوست، از داستان او تغذیه می‌کند و یا به دور درخت او پیچیده است، یا حتی به‌عنوان تیامات^۷ و شکلی از خود ایزدبانو است، به عبارتی مار از آفرینش جدا نیست، زمانی که ایزدبانو به شکل زن تجسم می‌یابد، خدای مارگون یا خدا



تصویر ۲۰: (Prichard, 1975: pic:61)

1. Durga

۲. خدای باروری، حاصل‌خیزی و شراب در یونان باستان: Dionysus.

3. Mafdet

4. Mut

۵. حامی زنان باردار، ایزدبانوی پزشکی و... Sekhmet.

۶. ایزدبانوی حامی زنان باردار، قسمت مؤثر نور خورشید در حاصل‌خیزی و... Bast.

۷. (Tiamat): اژدها-ماری در اساطیر بین‌النهرین که هستی از اجزاء بدن او شکل می‌گیرد.



تصویر ۲۱: (Black & Green, 1992: p.108).



تصویر ۲۲: (ایونس، ۱۳۷۵: ۱۳)



تصویر ۲۳: (Williams, 2003: p.123).

مار به شکل مار تجسم یافته و هرگونه ارتباط یا اتحاد ماوراء الطبیعه معناداری ممکن است بین آن‌ها به وجود آید. همان‌طور که ذکر گردید از جمله‌ی دیگر نمادهای ایزدبانو، خمره یا کوزه و ظرف است، و مارها با این نمادها نیز در ارتباطند، از سویی در دوران باستان با ظروف آب یا مایعاتی مواجه هستیم که مزین به نماد مار است، مارها دور ظرف می‌پیچند، به عبارتی به دور ایزدبانو، در حالی که در امتداد کوزه‌ها پیچ و تاب می‌خورند، مانند آب بارانی که از بالا فرو می‌ریزد و آب‌های زمینی جاری به هم می‌رسند. در واقع مارپیچ‌ها، زیگزاگ‌ها و نظایر آن، جنبه‌های مختلف نیروی ایزدبانو را به نمایش می‌گذارند. با ترکیب این عوامل با هم، نخستین الفبای متافیزیکی شکل می‌گیرد که به وسیله‌ی آن مجموعه‌ایی از معانی منتقل می‌شوند (Baring & Cashford, 1991: pp.52-53,499). این تجسم با نقوش ظروف جیرفت که به نقش مار مزین شده‌اند نیز بی ارتباط نیست.

ایزدبانو و نماد مار در ایران

در ایران کهن، باور به ایزدبانوان و تجسم آن‌ها در شکل‌های انتزاعی و یا طبیعت گریانه، و در اشکال انسانی، حیوانی، ترکیبی و نیز به هم‌راه حیوانات مشاهده می‌شود. در این ارتباط در (تصویر ۲۸)، نقشی از ایزدبانوی تپه سراب، به شکل انسان، با سر و گردنی به شکل مار، و اغراق در اعضای زایشی، متعلق به هزاره‌ی ششم ق.م. مشاهده می‌گردد (Porada, 1965: p.20). علاوه‌بر این نقشی از ایزدبانوی تپه حصار، متعلق به ۲۰۰۰-۱۷۰۰ ق.م. با شکلی هندسی در تصویر ۲۹ قابل مشاهده است. (Smithsonian, Institution, 1964-65: pic.13).

در راستای پژوهش حاضر، در ایران مانند بسیاری از تمدن‌های باستانی، نقش نمادین مار در کنار ایزدان و ایزد بانوان کاملاً مشهود است. (تصویر ۳۰) نمونه‌ای از آثار شوش، متعلق به هزاره‌ی دوم ق.م. است و آن محرابی برنزی است که پایه‌های آن را پنج ایزدبانو تشکیل می‌دهد، در دست هر کدام ظرفی که احتمالاً زمانی از درون آن آب فوران می‌کرده است، قرار دارد، در کنار ایزدبانوان و در سطح محراب که آب جریان داشته است، پیکر موج دو مار بزرگ مشاهده می‌شود که گویای ارتباط ایزدبانو، مار و آب است؛ در (تصویر ۳۱)، اثری از شوش، متعلق به هزاره‌ی چهارم ق.م.، نقش ایزدبانو، با لباسی منقش به نمادهای آب، در حالی که دو مار در دستان خود گرفته است مشاهده می‌شود؛ علاوه‌بر این در (تصویر ۳۲) که از لحاظ زمان و مکان مشابه تصویر قبل است، در دستان ایزدبانو، مار و شرابه‌هایی از آب مشاهده می‌شود. در (تصویر ۳۳)، نقش دیگری متعلق به لرستان، هزاره‌ی دوم ق.م. مشاهده می‌شود که نقش ایزدبانو و کاهن‌های مار به دست (نشانهای از باروری) مشاهده می‌شود.

۱. پرادا سر و گردن این ایزدبانو را مشابه ساقه‌ی گیاه، آورده است (Porada: 1965, p.20)، در هر صورت مفهوم نمادین مار در بر دارنده‌ی باروری، آب، رویش و ... است، که هم راستا با عملکرد ایزدبانوان است.
 ۲. نقش ایزدبانو به هم‌راه دو مار و یا جانوران تمثیلی در طرفین، نقشی مکرر در طول تاریخ هنر است (الیاده، ۱۹۸۵: ۲۷۵)، بر این اساس نقش‌های سه تایی از این دست را می‌توان به ایزدبانو نسبت داد.

ایزدبانو و نماد مار در تمدن‌های باستانی

همان‌گونه که گذشت ایزدبانوان بزرگ در اکثر تمدن‌ها به‌همراه نماد مار تصویر شده‌اند و این مسئله، نمودی از هم‌سویی آن‌ها، در مسیر بارورسازی، حاصل‌خیزی و ... است، در مجموعه تصاویر ذیل، ارتباط ایزدبانو و مار در راستای هم‌راهی، باروری، امور جنسی و حاصل‌خیزی، است؛ (تصویر ۳۴): متعلق به سوریه، هزاره دوم ق.م. (تصویر ۳۵): از ترکمنستان، نمازگا، دوره نوسنگی. (تصویر ۳۶): از بین‌النهرین، هزاره سوم ق.م. (تصویر ۳۷): از کرت، ۱۶۰۰ ق.م، مشاهده می‌شود. حال بنا به موضوع پژوهش حاضر، به ارتباط ایزدبانو، پلنگ و مار، در نقوش آثار کهن در ایران و دیگر تمدن‌های باستانی می‌پردازیم.



تصویر ۲۴: (Golan, 2003: p.380).

نقوش ایزدبانوان، به‌همراه نماد پلنگ و مار در ایران و

تمدن‌های باستانی

همان‌گونه که گذشت ایزدبانو دارای نمادهای گوناگونی از جمله نماد پلنگ و مار است، که در چند شاهد تصویری، به ارتباط هر یک از این نمادها با ایزدبانو پرداختیم، حال بنا به نقش منتخب در این پژوهش یعنی چالش میان پلنگ و مار، به نقوشی از ایزدبانو که همراه با دو نماد مار و پلنگ است اشاره می‌کنیم. از جمله این نقوش می‌توان به (تصویر ۳۸) اشاره نمود، این نقش که در هزاره سوم قبل از میلاد بر مهری حک شده، و متعلق به ایران است، ایزدبانویی^۱ مار به‌دست را به تصویر کشیده است، که تصاویری از گربه‌سان در بالا و پایین ایزدبانو نقش شده است و گویای ارتباط دو نماد مار و پلنگ با ایزدبانوست. در نقش مهر دیگری از شوش متعلق به ۳۳۰۰ قبل از میلاد، نقش مار، پلنگ و ایزدبانو مشاهده می‌شود، در یک سوی این مهر کروی، احتمالاً ایزدبانویی، دو مار بزرگ را در دست‌های خود گرفته است، در سوی دیگر این مهر، تصویری از گربه‌سانان مشاهده می‌شود (تصویر ۳۹).



تصویر ۲۵: (Remler, 2006: p.29).

علاوه‌بر این در آثار برنز لرستان، متعلق به هزاره دوم قبل از میلاد نیز با این نقوش مواجه‌ایم، بر روی سنجاق برنزی، نقشی از ایزدبانویی نشسته بر یک گربه‌سان و نیز نقوشی از مار مشاهده می‌شود، در زمینه تصویر، نقوشی از گل‌های لوتوس به‌عنوان نمادهای ایزدبانو نیز نقش شده‌اند، این نقوش نیز از هم‌راهی نماد پلنگ و مار و ایزدبانو، سخن می‌گویند (تصویر ۴۰). در دیگر تمدن‌های باستانی نیز تصاویری از این دست، مشاهده می‌شوند، (تصویر ۴۱) نمونه‌ای از مجموعه‌ی تصاویر ایزدبانو، گربه‌سان و مار در بین‌النهرین است. این تصویر متعلق به سوریه و در دوره‌ی نوسنگی نقش یافته است، ایزدبانو بر گربه‌سانی ایستاده و مارهایی در دستان خود دارد، در برخی از این تصاویر، ایزدبانو در دستی مار و در دست دیگر، گل لوتوس دارد، و تمامی این نقش‌مایه‌ها، نمادی از ایزدبانو و نشانه‌ای از توانایی‌های او هستند. علاوه‌بر این در هنر کرت، تندیس‌هایی از الهه‌ی ماری، متعلق به هزاره دوم قبل از میلاد مشاهده می‌شوند، در نمونه‌ای از این تندیس‌ها، مارها در دست‌ها و نیز پیچیده بر بدن ایزدبانو تجسم یافته‌اند، از سویی بر روی سر این



تصویر ۲۶: (Gimbutas, p.126, 1989).

۱. تصاویری از این دست که فردی دو مار در دستان خود گرفته است، بنا به تکرار مکرر نقش ایزدبانو همراه با دو مار یا حیوان‌های تمثیلی، با احتمال زیاد، ایزدبانو در نظر گرفته می‌شود.



تصویر ۲۷: (Ibid: p.128).



تصویر ۲۸: (Porada: 1965, p.20).



تصویر ۲۹: (Smithsonian, Institution: 1964-65, pic.13).

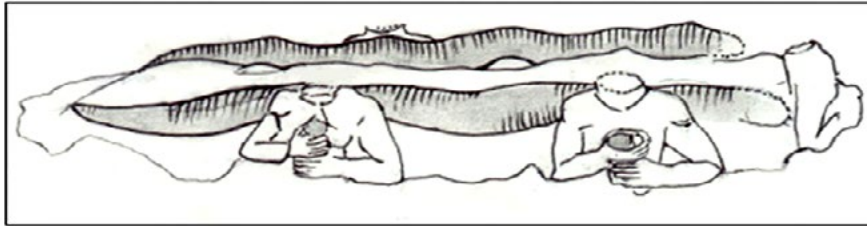
تندیس، پلنگ نشسته‌ای نقش یافته است، بنابر این ارتباط ایزدبانو و مار و پلنگ در این تندیس واضح است (که نمونه‌ای از آن در تصویر ۳۷ مشاهده می‌شود). علاوه بر این در (تصویر ۴۲)، نقشی از یونان باستان که یادآور ارتباط بین‌النهرین و یونان است، مشاهده می‌شود، در این نقش ایزدبانو سیبل همراه با نماد مار و پلنگ که نشانه ارتباط آن‌هاست به تصویر کشیده شده است (Baring & Cashford, 1991: p.393). و از این دست تصاویر که بیان‌گر ارتباط ایزدبانو، مار و پلنگ است، در تمدن‌های باستانی بسیار است.

مختصری از ریشه‌یابی لغوی^۱ پلنگ و ارتباط آن با مار

در تحلیل آیکونوگرافیک، استفاده از حوزه‌های گوناگون علمی، جهت رمزگشایی یک تصویر، اهمیت به‌سزایی دارد، از جمله‌ی این حوزه‌ها ریشه‌یابی لغوی است (فقه‌الغه) که با مباحث اسطوره‌شناسی و دین‌شناسی نیز مرتبط می‌گردد. در این رابطه بینس برکن^۲ دست به تحقیقات گسترده‌ای زده است، او و دیگر محققین به این نتیجه رسیده‌اند که ریشه‌های لغوی (prd/prg - rw/lw - LB/leu) در زبان‌های آفریقایی-آسیایی و هند و اروپایی (که شامل زبان‌های مختلف از جمله زبان ایرانی نیز می‌گردد)، وجود داشته و به مفهوم ابتدایی صدمه دیدن، تکه شدن، پاره شدن و... مرتبط می‌شوند، علاوه بر این به مفهوم لغوی گربه‌سانان از جمله پلنگ و شیر نیز اطلاق می‌گردند. در این امتداد اسطوره‌ها نیز به زبان کلامی، بسیار نزدیک بوده و سر نخ‌های مهمی در ارتباط و شباهت‌های فرهنگ‌های مختلف هستند. از جمله‌ی این موارد در رابطه با پلنگ (گربه‌سانان)، تصویر خدایانی در فرهنگ‌های مختلف است، که در طول تاریخ هنر مشاهده شده و "لوو"^۳ نامیده می‌شوند، این کلمه در شکل‌های بدوی به‌صورت خدایانی با شکل‌هایی در قالب: شکار، شبانی، عوامل جوی، طبیعت و... است، و دارای نام‌های دیگری چون (Runda, Mwele, Mwele ... Karumbi, Gurub) نیز هستند. شخصیت‌های "لوو" بر اساس زمان و مکان تاریخی و توان تکنولوژی جوامع باستانی متفاوت بوده و بر اساس اضطرار، شکل می‌گرفته است، که در شکل‌های ذیل مشاهده می‌شود: ۱- در دوران پارینه‌سنگی و جنوب و مرکز آفریقا، در شکل شکار، ۲- ابتدای نوسنگی و هلال حاصلخیز^۴، از آفریقا تا هند، در شکل کشاورزی و حاصل‌خیزی، ۳- مورد قبل اما در قالب چارپایان و شبانی، ۴- اواخر نوسنگی و ارتباط بین آناتولی و مرکز آفریقا بر اساس تکنولوژی ذوب فلزات. در این امتداد، ریشه‌های لغوی گربه‌سانان به مفاهیم دیگری نیز اشاره دارد، و آن تفاوت بین تیرگی و روشنی به‌صورت اشکال خال‌دار است که حاکی از مجموعه‌ای از جانوران خال‌دار و یا سیاه و سفید است، از جمله پلنگ، پرنده‌هایی مانند عقاب و کلاغ و نیز مارهای خال‌دار است. به عبارتی خال‌ها یا نقطه‌های قرمز رنگ ریشه در دوران پارینه‌سنگی دارند، و ممکن است به گربه‌سانان باز گردد، براساس آنچه به‌طور مختصر گفته شد، در بسیاری از تمدن‌های باستانی، ما در ریشه‌یابی لغوی

1. Etimology
2. Wim Van Binsbergen
3. Luwe

۴. نام بخش تاریخی از خاورمیانه و در برگرفته‌ی بخش‌های خاوری دریای مدیترانه، بخش‌هایی از جنوب ترکیه، میان‌رودان و دامنه‌ی کوه‌های زاگرس از شمالی‌ترین تا جنوبی‌ترین آن است.



تصویر ۳۰: (آمیبه، ۱۹۸۶: شکل ۱۰۲)

با مفاهیمی از گربه‌سانان مواجه‌ایم که ریشه مشترک دارند، مفاهیم گربه‌سانان، گسترده بوده و با مفاهیمی از خدایان زن و مرد ارتباط می‌یابد و در مناطقی هم چون روسیه و آناتولی از قدرت ایزدبانو سخن می‌گوید، که در مبحث بعد به نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم، علاوه‌بر این، پلنگ با مجموعه‌ای از پرندگان از جمله عقاب و نیز مار بر اساس نقش خال‌دار، ارتباط مفهومی نزدیکی از لحاظ بشه‌یابی لغوی می‌یابد، بنابراین بر اساس تحقیق حاضر، از لحاظ ریشه‌یابی سوی، پلنگ و مار دارای ارتباط مفهومی نزدیکی بوده و در تمدن‌های بسیاری با مفاهیم اساطیری خدایان، از جمله ایزدبانو ارتباط می‌یابد (Binsbergen, 2004: pp.70-17).

استان، حکایت یا تمثیل‌های مرتبط با تحقیق

با توجه به این مهم که تجلی اعتقادات بشر کهن در نمودهای فرهنگی چون آثار نری، ادبیات، زبان و... مشاهده می‌شود و با توجه به آن‌چه در ارتباط با تحلیل بکونوگرافیک بیان گردید، برای درک معنایی و یافتن مفاهیم نقوش جیرفت، تطبیق نقش‌مایه‌های مشابه در فرهنگ‌های هم‌زمان و هم‌جوار، اهمیت به‌سزایی دارد و در امتداد آن، با مرتبط ساختن آن‌ها با اطلاعات نوشتاری موجود از آن دوران، می‌توان به محتوای معنایی محتمل این نقوش دست یافت. در این بین الواح سومریان به دلیل زمان و مکان مرتبط با جیرفت و نیز منبع ریگ ودای هندیان اهمیت ویژه‌ای می‌یابند. این منابع در کنار منابع تصویری، اطلاعات نوشتاری مهم و متقنی برای درک چنین تصاویری هستند، از سویی، در این حکایات اساطیری، ارتباط ایزدبانو، گربه‌سانان و مار، شکل‌های گوناگونی داشته، و در نهایت با مسئله باروری، حاصل‌خیزی، بی‌مرگی و... مرتبط، و به‌صورت مقوله‌های متفاوت بیان می‌گردند.

در این راستا در تمدن بین‌النهرین، همان‌گونه که در بسیاری از نقوش باستانی، ایزدبانو اینانا همراه با گربه‌سانان (شیر) به تصویر کشیده شده است، در الواح سومری نیز شواهدی دال بر ارتباط آن دو آمده است، از جمله اینانا برای گرفتن قوانین مقدس به نزد انکی^۱ (خدای حکمت) می‌رود، و انکی که مجذوب اینانا شده است، از خدمت‌کارش می‌خواهد که برای خوشایند اینانا، در چهره و ظاهر شیر از اینانا پذیرایی کند تا او را خوش آید، و این گویای ارتباط اینانا و شیر است (کریمر، ۱۸۹۷: ۸۵). علاوه‌بر این طبق باور سومریان، پادشاه وقت، برای آغاز سال و رویش دوباره‌ی گیاهان، هر ساله می‌بایست با یکی از کاهنه‌هایی که



تصویر ۳۱: (آمیبه، ۱۹۸۶: ۲۶)



تصویر ۳۲: (Abrams, 1992: p45)

1. Enki



تصویر ۳۳: (Godard, 1962: fig.56).

خود را وقف اینانا کرده است، ازدواج کند، در الواح سومر، در این ارتباط از زبان کاهنه‌های اینانا که نقش ایزدبانو اینانا را بازی می‌کردند، آمده است که عروس، داماد را در تمامی ایبات به شیر مانند کرده، و او را ستایش می‌کند (پیشین: ۱۹۳، ۱۹۴). از سویی ایشتر (اینانا) که در مجموعه‌ی خصوصیت‌هایش، دارای رفتاری خشونت آمیز نیز می‌باشد، در نوشتاری از سوی گیلگمش^۱ مورد خطاب و نکوهش قرار می‌گیرد که تو عاشق شیر شدی که قدرتش بس افزون بود، اما برایش چهارده مگاک کندی (ژیران و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۵، ۷۶). در این نمونه‌ها، گربه‌سانان، مورد علاقه، و همراه ایزدبانو هستند.

در لوحه‌ی دیگری، با گونه‌ای دیگر از ارتباط ایزدبانو و گربه‌سانان مواجه می‌شویم، در ایباتی آمده است که کاهنی از ارته^۲، دست به توطئه‌هایی می‌زند و ایزدبانویی به نام (سگ پرو)، یکی از توطئه‌های او را به وسیله پلنگ و شیر خنثی می‌کند (کریمر، ۱۸۹۷: ۱۸۰-۱۸۲). در این نمونه، ایزدبانو از قدرت پلنگ و شیر استفاده کرده است.

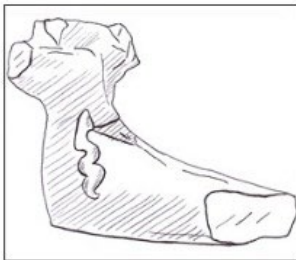
اما در دیگر تمدن مرتبط با جیرفت یعنی هند نیز شواهد ادبی مبنی بر ارتباط ایزدبانو و ایزدان^۳ با گربه‌سانان وجود دارد، از جمله ویشنو^۴، خدایی است که دارای ده تجلی است و در هر کدام، حکایتی اسطوره‌ای را رقم می‌زند، او در تجلی چهارم به شکل انسان - شیر^۵ ظاهر شده و اهریمنی را نابود می‌کند (Mahabharata, 3.273, 57-61)، بنابراین ارتباط شیر و الوهیت آشکار است. از سویی هم‌راهی گربه‌سان با ایزدان هند به گونه‌ای دیگر نیز قابل مشاهده است، برای نمونه ایندرا^۶ خدای جو، گاهی دارای مرکبی است که به صورت شیری نشسته^۷ است، علاوه بر این، گاهی مشاهده می‌شود که ایندرا را هراسناک خطاب می‌کنند که چون شیر، بر کوهستان‌ها می‌تازد (ذکرگو، ۱۳۷۷: ۱۸۸).



تصویر ۳۴: (لیک، ۱۹۹۸: ۲۷۲)

از سویی در کتاب اوپانیشادها^۸ که مجموعه‌ای از صفات خداوند است، خداوند را به شیر (سنگهه) مانند می‌کند که در عین حال که جان می‌گیرد، آفریننده‌ی بزرگ، شادی دهنده و ... است (وپانیشاد، جلد ۲، ص ۴۷۷)، در این جا موجود گربه‌سان، به خدایی بزرگ مانند شده است.

اما علاوه بر موارد ذکر شده از دو تمدن بین‌النهرین و هند، در تمدن‌های باستانی دیگر نیز با نشانه‌هایی از ارتباط گربه‌سانان با ایزدان و ایزدانوان مواجه هستیم، و همان‌گونه که پیشتر آمد، در یونان گاهی دیونوسوس در حکایات اساطیری به شکل پلنگ ظاهر می‌شد و نیز در اساطیر تمدن مصر، ایزدانوان زیادی به شکل پلنگ ظاهر گشته و یا با او در ارتباط بودند، از جمله مفدت، سخمت، موت و باست (ن.ک به: صفحه‌ی ۲۱).



تصویر ۳۵: (Shashi, 1976: IV).

1. Gilgamesh
2. Areta

۳. در حدود زمانی ۱۸۰۰ قبل از میلاد، هند و اروپاییان پس از حملات پی در پی، در مکان‌های مختلف سکنی گزیدند، بر اساس عقاید مرد سالاری، نقش ایزدانوان کم رنگ شد و یا تبدیل به ایزدان شدند، بنابراین در ادبیات هند نیز احتمالاً جایگزینی‌هایی شده است.

5. Nara Simha
6. Indra
7. Simhasana

۴. (Vishnu): خدای نگهدارنده.

۸. اوپانیشادها یا ودانتا از کهن‌ترین متون مینوی آئین هندو هستند که به دوره‌ی برهمنایی بازمی‌گردد.

از سویی، مار نیز از دیگر نمادهای نقش مورد پژوهش است که ارتباط گسترده‌ای با ایزدان و ایزدبانوان دارد، از جمله در اساطیر بین‌النهرین، در اسطوره‌ی گیلگمش که متعلق به ۲۷۰۰ ق.م. است، با جستجوی او برای یافتن بی‌مرگی مواجه‌ایم، و در امتداد این جستجو، او به گیاه جاودانگی (نشانه ایزدبانو) در اعماق آب‌ها، دست می‌یابد که بر اثر تقدیر، به وسیله ماری ربوده شده، و مار زندگی جاودانه می‌یابد... (کریمر، ۱۸۹۷: ۱۶۵) در این راستا ارتباط گیاه بی‌مرگی به‌عنوان نشانه ایزدبانو با آب و مار، نمایان است.

علاوه بر این در دیگر تمدن مجاور، یعنی دره سند نیز با ارتباط نمادین ایزدبانو، مار، آب، آفرینش و ...، در گونه‌های متفاوت، مواجه هستیم، از جمله در اساطیر آفرینش هند، مارهای نمادینی مشاهده می‌شوند که با آفرینش در ارتباط هستند، از جمله، آمده است که خدایان و دیوان، مار واسوکی^۱ را، رسن ساخته، و به دور کوهی که در دریا جای داشت، بستند و از دو طرف، توسط دو گروه خدایان و دیوان، کشیده گردید، و به گونه‌ای که خامه از شیر جدا می‌شود، دریا متلاطم گشت، و چیزهای ذی‌قیمت از دریا بیرون آمد، از جمله، آب حیات یا امریت^۲، لکشمی (ایزدبانوی اقبال‌وزیایی و همسر ویشنو)، ماه و... (Mahabhara- ta, 1.18.48-53 & Bhagavata Purana, 8.7).

در اسطوره دیگری از هند، ویشنو را به عنصر آب که قبل از خلقت این جهان در همه جا ساری و جاری بوده است، منسوب داشته‌اند، او را به شکل مردی که روی ماری نشسته و خواب آلوده است، مجسم ساخته‌اند...، که در نهایت به آفرینش نیز می‌انجامد (ریگ ودا^۳، ۱۳۶۷: ۹۵)، در نمونه‌ی نخست از اساطیر آفرینش هند، ارتباط آفرینش، مار، آب، آب حیات، ماه، ایزدبانو و...، و در شاهد دوم نیز ارتباط مار، آب، آفرینش و الوهیت، نمایان است.

در مقوله‌ای دیگر، با شکلی متفاوت، در نمونه‌هایی از اساطیر هند، با نماد مار به‌عنوان فرزند یا مرد مرتبط با ایزدبانو (پرنده)، مواجه می‌شویم، در تصاویری متعلق به پیش از آریایی‌ها، با نقش‌های سه‌تایی از یک پرنده و دو مار در دو سویش مواجه‌ایم که بنا به یک اسطوره هندی، مارها، پسرهای یک ایزدبانوی آسمانی به شکل یک پرنده و خدایی مارگون (خدای ستاره شمالی که پیشتر از این زمینی گشته بود) هستند، در این حکایت، ارتباط مار و پرنده (ایزدبانو)، آسمان و زمین، ازدواج و زایش، آشکار است، به عبارتی این حکایت ازدواج ایزدبانوی آسمان (پرنده) و زمین‌رایبان می‌کند^۴.

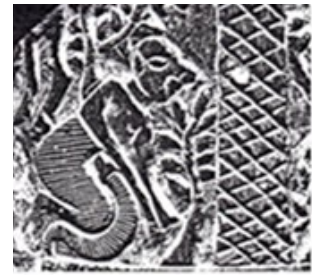
جدا از اساطیر دو تمدن هند و بین‌النهرین، اساطیر بسیاری در تمدن‌های گوناگون، نشانه‌هایی از ارتباط مؤلفه‌های ذکر شده دارند، که تنها به یکی از آن‌ها بسنده می‌کنیم، از جمله در اسطوره آفرینش در تمدن یونان باستان، ارتباط ایزدبانو، پرنده، مار، آب و آفرینش به روشنی آشکار است، اورینوم^۵، ایزدبانوی که با مار بزرگ آب‌ها، اوفیون، ازدواج کرده، و سپس به شکل یک پرنده زیبا،

1. Vasuki
2. Amrita

۳. (Rig veda) قدیمی‌ترین مستندات مکتوب هند، احتمالاً در ۱۲۰۰ ق.م.

۴. Волчок Б.Я. Протоиндийские божества. — В кн.: Сообщения об исследовании протоиндийских текстов, ч.2. М. 1972.

۵. Eurynome



تصویر ۳۶: (Parrot, 1960: p.140).



تصویر ۳۷: (Higgins, 1967: fig.23).



تصویر ۳۸: (Collen, 1988: p.182).

تصویر ۳۹: (Harper & others.)
(1982: p.54).



بزرگ‌ترین تخم کیهانی را به دنیا می‌آورد و اوفیون^۱ (مار) به دور این تخم حلقه زده تا زمانی که بر اثر شکستن تخم، موجودات عالم به‌دنیایم آیند (بایرلین، ۱۹۹۴: ۶۳).

گذشته از اساطیر باستان، در باورهای امروز اقوام گوناگون نیز با چنین تفکراتی مواجه می‌شویم، برای مثال در سرزمین هند علاوه بر این که ماران از دوران باستان بخشنده باروری در سطح جهان پنداشته می‌شدند، در هند جدید، انبوهی از باورها و معتقدات بر خصلت نیکوکاری و باردار کنندگی ماران تاکید می‌ورزند، در ایالت میسور، باروری و حمل گرفتن زنان را، از پیکره سنگی مار طلب می‌کنند (Dobois, 1899: p.648). علاوه بر این، ارتباط ایزدان و ایزدبانوان با پلنگ و مار حتی در اعتقادات اساطیری سرخپوستان آمریکای شمالی نیز مشاهده می‌شود، این اقوام اعتقاد دارند که خدایان قدرتمندی در زیر زمین و در آب‌های دریاچه‌ها و چشمه‌ها زندگی می‌کنند، خانه‌ی سرکرده‌ی موجودات زیر آب، پلنگ زیر آب یا مار شاخ دار قرار دارد که علاوه بر داشتن قدرت‌هایی با بار منفی و ایجاد توفان‌های عظیم، سیل و سایر پدیده‌های خشونت بار طبیعت، دارای نیروهای بالقوه‌ی خرد و قدرت‌های درمان‌گری هستند و این خود نیز نشانه‌ای از ارتباط پلنگ، مار و الوهیت است (ریچارد کاوندیش، ۱۹۶۸: ۳۹۷). از ادبیات باستانی گفته شده، چنین نتیجه می‌شود که ایزدبانوان با گربه‌سانان و مار تعامل داشته‌اند. در ایران با وجود فقدان ادبیات مکتوب در محدوده زمانی این تحقیق

(۳۰۰۰ ق.م)، شاهی مکتوب در ارتباط با نقوش جیرفت وجود دارد، یک نمونه از آثار سنگی جیرفت، منقوش به تصویر پلنگ و مار (تصویر ۴۳)، در معبد اینانا در نیپور^۲ در شمال سومر، واقع در عراق امروز یافت شده که به خط میخی سومری بر روی آن، نام اینانا و افعی حک شده است (پیتمن، ۱۳۸۴: ۴۵)، در این تصویر که نمونه‌های مشابه بسیاری از آن، در جیرفت یافت شده است، نماد پلنگ در نقش ایزدبانو اینانا در چالش با مار، تصویر شده است، این نوشته باستانی، نیز شاهی در ارتباط ایزدبانو و مار، در نقوش جیرفت است. علاوه بر این در فولکلور^۳ ایران از جمله جیرفت، با مواردی مشابه با آن‌چه گذشت، مواجه می‌شویم، بر اساس اطلاعات مردم شناسی جیرفت، مار در منطقه جیرفت در حال حاضر اهمیت فراوانی دارد تا آن‌جا که نام تعدادی از روستاهای جیرفت با مار مرتبط است، از جمله، مارسیاه، مارگون و... از طرفی در جیرفت و محدوده جنوب شرقی ایران، به مار

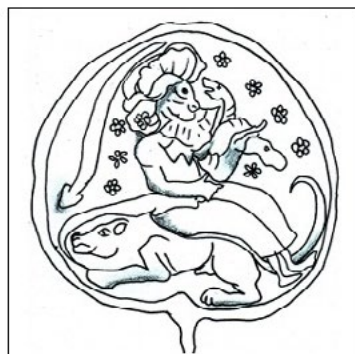
1. Ophion

2. Nipur

۳. Folklore



تصویر ۴۱: (Pritchard, 1975: fig.61).



تصویر ۴۰: (Malraux, 1963: p.74).

احترام گذاشته و مار خانگی را همسایه خویش می‌دانند و نیز مار سفید، نشانه گنج است، هم‌چنین آمده است که اگر مار، صد سال کشته نشود، افعی می‌شود و اگر مجدداً صد سال دیگر نمیرد، تبدیل به دختر شاه پریان می‌شود و در نهایت آن که بر این اعتقادند که مار به زن باردار احترام گذاشته و در مقابلش با سری افراشته می‌ایستد و این خود گویای ارتباط مار، زن و بارداری و ایزدبانو در باور امروز آنان است. از سویی در منطقه‌ی جنوب‌شرق ایران باوری است مبنی‌بر این که اگر زن و شوهری پس از هفت سال، با وجود نداشتن مشکل، بچه‌دار نشوند، گویند پلنگ‌زا هستند؛ هم‌چنین در مراسم عزاداری، شیر نقش محافظت از اجساد بزرگان را دارد، بدین‌سان نشانه‌هایی از ارتباط پلنگ و بارداری و نیز نقش حفاظتی گربه‌سانان قابل مشاهده است.^۱

نتیجه‌گیری

نقش ایزد بانوی بزرگ در آثار جیرفت (سخن آخر)

همان‌گونه که پیشتر گفته شد، آثار جیرفت متعلق به دورانی است که باور مسلط در فرهنگ جوامع مختلف از جمله جیرفت، ایزدبانوان بوده‌اند، بدیهی است که این باور در بافت فرهنگی آن دوران، از جمله زبان، ادبیات، هنر و... باز نمود می‌یابد، بدین‌سان مفهوم مقدس ایزدبانوان در نقوش آثار جیرفت نیز متجلی است. در این راستا ایزدبانوان علاوه‌بر تجسمی در قالب زنان، با نمادهای گوناگونی از جمله نقوش جانوری همراه می‌شوند، نمادهایی چون پلنگ، مار، پرنده و... و با در نظر گرفتن دو مسئله جانشینی و هم‌نشینی، این نمادها می‌توانند جانشین نقش ایزدبانو شده و نیز با او همراه شوند. بنابراین نماد پلنگ (گربه‌سانان) که مظهری از قدرت، خورشید، نیروی جنسی، ظرافت و... است، طبق شواهد بسیار می‌تواند جانشین و یا همراه ایزدبانو گردد. از سویی مارها نیز که نمادی از آب، باران، رود، صاعقه، باروری، حاصل‌خیزی و... هستند، در راستای عمل‌کرد ایزدبانوان هم‌سو بوده و در فرهنگ‌های گوناگون، هرگز از ایزدبانوان دور نیستند. به عبارتی در نقش منتخب جیرفت (تصویر ۱)، پلنگ‌ها جانشین و نمودی از ایزدبانو هستند که با

۱. مصاحبه با فاطمه رضا پور، مسئول مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی کرمان (۱۳۹۱/۲/۷) و (۱۳۹۱/۹/۱۰).



تصویر ۴۳: (پیتمن، ۱۳۸۴: ۴۵)



تصویر ۴۲: (Baring & Cashford, 1991: p.392)

مار که یار و هم‌نشین همیشگی ایزدبانوان است، همراه می‌شوند. در این راستا نوشته منقور به خط میخی در زیر یکی از ظروف جیرفت که منقوش به پلنگ و مار است، و این صحنه را ایزدبانو اینانا و افعی خطاب می‌کند، به‌عنوان شاهد متقنی در اثبات ارتباط ایزدبانو در شکل پلنگ با مار در نقوش جیرفت می‌توان در نظر گرفت. در امتداد این تحلیل آیکونوگرافیک، ریشه یابی لغوی پلنگ که پیشتر گفته شد، از لغاتی می‌گوید که در بسیاری از تمدن‌ها ریشه مشترک داشته و در عین حال با مفاهیم اسطوره‌ای از جمله ایزدبانو مرتبط می‌گردد، و به‌دنبال آن ارتباط مفهومی پلنگ به شکل فرم‌های خال‌دار با مار و پرنده نیز آشکار شده و مبین این واقعیت است که این نمادها علاوه‌بر ارتباط مفهومی با یک‌دیگر و ارتباط با ایزدبانو، گسترش جهانی دارند.

اما مسئله مهم دیگر در تحلیل آیکونوگرافیک، منطبق کردن نقش‌مایه‌های ریشه‌یابی و رده‌بندی شده با ادبیات مکتوب و شفاهی هزاره‌ی سوم پیش از میلاد است که بنا به کمبود و فقدان آن در ایران، ملزم در کنکاش در تمدن‌های هم‌زمان و مرتبط با جیرفت است، در این راستا در شواهد مکتوب دست اول، به ارتباط ایزدبانو با مار و گربه‌سانان رسیدیم؛ علاوه‌بر این در اعتقادات مردم امروز جیرفت نیز نشانه‌هایی از ارتباط نمادهای مار، پلنگ، زن و بارداری هستیم. در آثار به‌دست آمده از جیرفت نیز شواهدی از ایزدبانوان و ارتباط آن‌ها با نمادهای جانوری وجود دارد، به‌عنوان مثال تحقیقات پیتمن در رابطه با مهرهای یافت شده در جیرفت حاکی از اعتقاد به ایزدبانوان در این ناحیه است (پیتمن، ۱۳۸۷: ۵۷)، علاوه‌بر این وجود نقش‌هایی در آثار جیرفت مانند: نمادهای آب و باروری، نقش مکرر درخت زندگی و محافظین آن، نقش گاو و بز نر و قوچ که سمبلی از ایزدبانو و سمبلی از باروری هستند و نیز نقش زنی در خمره و مارهای طرفینش، ایزدبانو- پرنده و مار، تندیس ایزدبانویی با نقش‌های عقرب و ... همه گویای وجود اعتقاد به ایزدبانوان در جیرفت باستان است که هر کدام پژوهشی مجزا می‌طلبند.

۱. برای اطلاعات بیشتر ن.ک: مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۲). جیرفت کهن‌ترین تمدن شرق. تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

بدین‌سان در آیکونوگرافی نقش پلنگ و مار در آثار جیرفت باستان، ما با باور مسلط ایزدبانوی بزرگ به‌عنوان خالق در هزاره سوم پیش از میلاد مواجه‌ایم که در بسیاری از تمدن‌های باستانی که وابسته به کشاورزی هستند، مشاهده می‌شود^۱، این ایزدبانو دارای نمادهایی هم چون پلنگ است که می‌تواند جان‌شین ایزدبانو و نماد او گردد، از سویی ارتباط ایزدبانوان با آب یعنی منشاء هستی کاملاً مشهود است، به عبارتی آنان عوامل جوی (صاعقه، باران و...) را به مساعدت گرفته و در زمان‌های خاص با فرو فرستادن آب، سرنوشت هستی را رقم می‌زنند، و در نگاه دیگر مار از موجودات وابسته به ایزدبانو بوده، و در صفات مثبت خویش، عملکردی هم راستا دارند، آنان نیز نمودار مسلم آب و باروری و حاصل‌خیزی هستند، مارها چونان چشمه‌های آب آسمانی، یا صاعقه‌های باران‌زا هستند و ایزدبانو این آب‌های آسمانی (مارها) را به زمین فرو می‌فرستد تا باعث باروری انسان، حیوان و گیاه شود، می‌توان این احتمال را داد که پلنگ و مار در این نقش اسطوره‌ای، نماد ایزدبانو را داشته که با نماد هم سو، هم‌راه و حتی نگاهبانش یعنی مار، نعمت‌های آب، باروری، حاصل‌خیزی، بی‌مرگی، سرسبزی، نشاط و... را بر این سرزمین فرو می‌ریزند. بدین‌سان می‌توان احتمال داد، نقش مار و پلنگ در آثار جیرفت گویای محوریت و قدرت ایزدبانو در آفرینش آب، باروری و حاصل‌خیزی است. علاوه‌بر این تعبیرات گوناگون، از جمله آسمان و زمین به‌عنوان ایزدبانو و مار، و اتحاد و ازدواج این دو ضد، و رسیدن به وحدت، همانا ریزش باران و حاصل‌خیزی و باروری است.

منابع

- آمیه، پیر، ۱۹۸۶، شوش شش هزار ساله. ترجمه علی موسوی. ۱۳۸۹. تهران، نشر.
- آمیه، پیر، ۱۹۸۶، تاریخ ایلام. ترجمه‌ی شیرین بیانی. ۱۳۷۹. تهران، انتشارات دانشگاه تهران. فرزنان.
- الیاده، میرچا، ۱۹۸۵، رساله در تاریخ ادیان. ترجمه جلال ستاری. ۱۳۷۶. تهران، سروش.
- الیاده، میرچا، ۱۹۷۶، اسطوره. رویا. رمز. ترجمه رویا منجم. ۱۳۷۵. تهران، فکر روز.
- اوپانیساد. ۱۳۸۱، جلد دوم. ترجمه محمد دار اشکوه و به کوشش تاراچند و سید محمد رضا جلالی نائینی. تهران، نشر علمی.
- ایونس، ورونیکا، ۱۳۷۵، اساطیر هند. ترجمه باجلان فرخی، تهران، انتشارات اساطیر.

۱. در هزاره‌ی هفتم در خاورمیانه فرهنگی ظهور می‌کند که «حلف» نامیده شده است. در این فرهنگ بر روی بدنه ظروف سفالی تصاویر نیم رخ زنانه جزء نقوش اصلی ظروف سفالین بوده‌اند. این نقش‌مایه بر روی بسیاری ظروف مربوط به این فرهنگ تکرار شده است. هم چنین در محل باستانی ارپاچیه (عراق) درست مثل چنل هیوک، مضمون ایزدبانوی مادر و صحنه‌ی شکار در یک صحنه دیده شده است. پروفیسور کوون بر این عقیده است که این نقش‌مایه‌ها در عصر نوسنگی غرب‌آسیا دیگر به یک شخصیت کاملاً اسطوره‌ای تبدیل شده و در قالب یک خدا که همه چیز در اختیار اوست عمل می‌کنند. یک «زن-خدای»، و یک انسان مذکر که به‌صورت یک گاو درآمده و جفت او را تشکیل می‌دهد (رفیع‌فر، ۱۳۸۲)

- بایرلین، ج.ف، ۱۹۹۴، اسطوره‌های موازی. ترجمه عباس مخبر. ۱۳۸۶. تهران، نشر مرکز.
- بیانی، ملکزاده، ۱۳۶۴، تاریخ مهر در ایران. تهران، انتشارات یزدان.
- پیتمن، هالی، ۱۳۸۴، "مهر جواهرساز". مجله باستان‌شناسی و تاریخ. شماره پیاپی ۳۷ و ۳۸، صص ۴۴-۶۱.
- پیتمن، هالی، ۱۳۸۷، "هنر مهرسازی در کنار صندل: خدایان، فرمانروایان و پیوند از طریق ازدواج". مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی تمدن حوزه‌ی هلیل جبرفت، ۱۳۸۳، تهران، پیشین پژوه. صص ۵۷-۷۹.
- پیروای، مرضیه، ۱۳۹۰، "تحلیل معنا شناختی واژه آپکون". مجله متافیزیک، دانشگاه اصفهان، شماره ۱۱ و ۱۲، صص ۱-۱۰.
- جابز، گرترو، ۱۳۷۰، سمبل‌ها. مترجم محمدرضا بقاپور، چاپ اول، تهران، انتشارات جهان نما.
- دوبوکور، مونیگ، ۱۹۸۹، رمزهای زنده‌ی جان، ترجمه جلال ستاری، تهران، نشر مرکز.
- ذکریگو، امیرحسین، ۱۳۷۷، اسرار اساطیر هند (خدایان ودایی). تهران، انتشارات فکر روز.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین، ۱۳۸۶، "فن آوری ساخت اشیاء در جبرفت". آئینه خیال. تهران، فرهنگستان هنر. شماره ۲، صص ۴۶، ۴۷.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین، ۱۳۸۱، پیدایش و تحول هنر. تهران، برگ زیتون.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین، ۱۳۸۲، "تولد الوهیت-تولد کشاورزی" مجله نامه انسان‌شناسی، تهران، شماره ۲، صص ۱۷۹-۱۸۶.
- ریگ ودا، ۱۳۶۷، ترجمه و تحقیق سیدمحمد رضا جلالی نائینی، تهران، نشر نقره.
- ژیران، فلیکس و دیگران، ۱۳۸۹، اساطیر آشور و بابل، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران، نشر قطره.
- شوالیه، ژان و گریبان، آلن، ۱۹۶۸، فرهنگ نمادها. ترجمه سودابه فضائی. ۱۳۷۷. تهران، جیحون.
- عبدی، ناهید، ۱۳۸۷، "بررسی تحلیلی نگارگری ایران در مکاتب هرات و تبریز از منظر ایکونوگرافی"، پایان‌نامه دکتری پژوهش هنر، استاد راهنما مهدی حسینی، محمد ضیمران. تهران. دانشگاه هنر.
- فریزر، جیمز جرج، ۱۸۹۰، شاخه زرین پژوهشی در جادو و دین. ترجمه کاظم فیروزمند. ۱۳۸۲. تهران، انتشارات آگاه.
- کاسیرر، ارنست، ۱۹۲۳، زبان و اسطوره. ترجمه محسن ثلاثی. ۱۳۹۰. تهران، انتشارات مروارید.
- کاسیرر، ارنست، ۱۹۲۵، فلسفه‌ی صورت‌های سمبلیک. ترجمه یدالله موقن. ۱۳۹۰. تهران، هرمس.
- کاوندیش، ریچارد، ۱۹۶۸، دائره‌المعارف مصور- اساطیر و ادیان مشهور جهان، ترجمه رقیه بهزادی. ۱۳۸۷. تهران، نشر علم.

- کریمر، ساموئل ، ۱۸۹۷، الواح سومری، ترجمه داوود رسایی. ۱۳۸۵. تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- کوپر، جی، سی ، ۱۹۷۸، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان. ۱۳۸۶. تهران، نشر فرشاد.
- گدار، آندره ، ۱۹۶۵، هنر ایران، ترجمه بهروز حبیبی. ۱۳۵۸. تهران، دانشگاه ملی ایران.
- گوران، آندره لورا ، ۱۳۵۷، دست‌آفریده‌های هنری و مذهب مردم پارینه‌سنگی. ترجمه نورالدین فرهیخته. تهران، انتشارات پویش.
- لیک، گوندولین ، ۱۹۹۸، فرهنگ اساطیر شرق باستان. ترجمه رقیه بهزادی. ۱۳۸۵. تهران، انتشارات طهوری.
- مجیدزاده، یوسف ، ۱۳۸۲، جیرفت کهن‌ترین تمدن شرق. تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مجیدزاده، یوسف ، ۱۳۸۷، "پروژه باستان‌شناختی حوزه‌هلیل: کشفی افسانه‌ای". مجموعه مقالات نخستین همایش جیرفت. تمدن حوزه‌هلیل: جیرفت. تهران، پیشین پژوه، ص ۲۹۰-۵۲.
- مختاریان، بهار ، ۱۳۸۶، "پیوند مناره‌ها و گنبد با نماد سه تایی مقدس". دسترسی در ۱۳۹۱/۲/۳ در <http://anthropology.ir/node/1106>
- مختاریان، بهار ، ۱۳۹۰، "اهمیت آیکنوگرافی در پژوهش‌های اسطوره‌شناخت". دسترسی در ۱۳۹۱/۲/۲۰ در <http://anthropology.ir/node/1221>
- مختاریان، بهار ، ۱۳۹۰، "اهمیت آیکنوگرافی و آیکنولوژی در دین پژوهی: آیکنولوژی یونس و ماهی". نقد نامه‌هنر، خانه‌هنرمندان ایران. شماره ۱. ص ۱۰۹-۱۲۳.
- ناس، جان بابر ، ۱۹۸۰، تاریخ جامع ادیان. ترجمه علی اصغر حکمت. تهران، ۱۳۸۱ علمی فرهنگی.
- ویو، ژ ، ۱۳۸۹، اساطیر مصر. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران، انتشارات فکر روز.
- هال، جیمز ، ۱۹۵۶، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب. ترجمه رقیه بهزادی. ۱۳۸۴. تهران، جیحون.
- Abrams, Harry.N, 1992, Ancient near eastern Treasurer in the Louvre. Metropolitan museum. New York.
- Akurgal, Ekrem , 1970, Ancient civilization and ruins of Turkey from prehistoric times until the end of the roman Empire. Mobil oil Turk A. S Itanbul.
- Altet, Xavier Barral , 2002, Introduction. www.pur-Editions.fr.
- Amiet, Pierre , 1977, Art of the ancient near east. Harry n. Abrams. New York.
- Asthana, Shashi Prabha , 1976, History from earliest time to 300 BC. Delhi.
- Baring, Anne, and Cashford, Jules , 1993, The Myth of the Goddess: Evolution of an Image. Penguin, London.
- Bahn, Paul. G & Vertut, Jean , 1997, Journey through the Ice age. Weiden feld & Nicolson. UK.
- Bhagavata Purana.

- Binsbergen, Win Van , 2004, "Long-range mythical continuities across Asia and Africa". 1/9/2012. http://www.shikanda.net/ancient_models/leopard_harvard/leopardwww.htm pp.1-173.
- Binsbergen, Wim Van , 2003, "The leopard and the lion, an exploration of Nostratic and Bentu lexical continuity in the light of Kammerzell's hypothesis". 2/8/2012, http://www.shikanda.net/ancient_models/leopard_lion_nostratic_bantu_kammerzell.pdf, pp.1-25.
- Black, Seremy & Green, Anthony , 1992, Gods, demons and symbols of ancient Mesopotamia. British museum, London.
- Bourriau, Janine , 1988) . Pharaohs and Mortals, Egiptian art in the middle kingdom. Fitzwilliam Museum.
- Caubet, Annie & Pouyssegur, Patrick , 1997, The Ancient Near East , the Origins of Civilization) Louvre Museum.
- Cauvin, J, 1994, Naissance des divinités naissance de l'agriculture. C.N.R.S. paris.
- Cirlot, Y, E , 2002) . A dictionary of symbols. Forward by Herbert Read, second edition . Routledge . London.
- Collon, Dominique , 1988, First impressions cylinder seals in the ancient Near east, British press, UK
- Coomaraswamy, Ananda. K , 2003, History of Indian and Indonesian art. Kessinger publishing
- Dobois, Abbe , 1899, Hindu manners. Ed.II. Crooke. Religion and folklore. II. 133vogel, Indian serpent-Lore, 19.
- Eliade, Mircea , 1987) . The encyclopedia of religion. vol.4, 13
- Foster, Benjamin , 1995, From distant days: myths, tales and poetry from ancient gyptian ia, CDL press Bethesde, tablet 1-4(books.google.com).
- Frazer, James G , 1919, The folklore in the old testament. Vol.1, London, Macmillan.
- Girshman, Roman , 1963, L'univers Des forms collection dirigee. Perse prolo.
- Gimbutas, Marija , 1982, The goddesses and gods of old Europe myths and cult images. athames & gypti.
- Gimbutas, Marija , 1989, The language of the goddess. Harper&Row, New York.
- Gimbutas, Marija , 1991, The civilization of the goddess. Hiper Collins, New York.
- Godard, Andre , 1962, L'art de L'Iran. Paris
- Golan, Ariel , 2003, Prehistoric religion-Mythology- Symbolism . Jerusalem
- Harper. O & others , 1992, Royal city of susa. ancient near eastern treasures in the louvre prudence. New York.
- Herzfeld, Ernest , 1941), Iran in the ancient east. Newyork.
- Higgins, R , 1967, gypti and my cenaeen art. London. Thams and Hadson.
- Hodder, Ian , 2006, The leopard tale, revealing the myeteries of turkeys ancient 'town'. Thames& Hudson, London.
- Knappert, Jan , 1991, India Mythology, an encyclopedia of myth and legend. Harper Collins publisher's India.
- Lash, W.F. , 1996, Iconography and iconology. in: The dictionary of art. New York: Macmillan
- Leick, Gwendolyn , 1998, A dictionary of ancient near eastern mythology. Routledge. london.

- Lurker, M. , 1983, Adler und Schlange Tiersymbolik im Glauben und Weltbild der Völker, Tübingen. Mahabharata.
- Malraux, Andre & others , 1963, L'univers des forms collection dirigee par. Perse proto-Iraniens medes Achemenides.
- Monaghan, Patricia , 2010, Encyclopedia of goddess and heroines, V I&II. The united states of America. Greenwood press.
- Mason, V.M & Sarianid, , 1972, V.I. Central Asia Turkmenia before the achaemendis. Thames and gypti.
- Mattison, chris.snake , 1999, The Essential Visual Guide to the World of Snakes. London. DK Publishing.
- Mellart, James , 1975, The Neolithic of the near east. Thomes and Hudson, London.
- Oates, David & Oates, Joan , 1976, The rise of civilization. Elsevire phaidon. NewYork
- Panofsky, E , 1980, Studien zur Ikonologie, DuMont Buchverlag, koln.
- Parrot, Andre , 1960, Sumer, Gallimard.
- Parrot, Andre , 1961, Sumer-the dawn of art. Goldenpress, NewYork.
- Perrot, Jean , 2003, "Liconographie de Jiroff". Dossiers dArcheologie, French magazine .pp.97-112.
- Pierre, Amiet , 1977, Art of the ancient near east. Harry N.Abrams, paris.
- Pope, Arthur Upham , 1969, A Survey of gyptia Art. Vol.1&2. Tehran.
- Porada, Edith , 1965, The Art of ancient Iran. Islamic culture.
- Prichard, James.B , 1975, The near East. Vol.II, new anthology of texts and pictures. London.
- Ranke, Hermann , 1951, Master pieces of gyptian art. London.
- Remler, Pat , 2006, Egyptian mythology. infobase publishing. NewYork.
- Sandars, N.K , 1968), Prehistoric art in Europe. Yale university press. Penguin books, New York.
- Shashi, prabha.A , 1976, History and archeology of India's Delhi.
- Smithsonian Institution , 1964-65, 7000 years of Iranian art, Washington DC
- Tresidder, Jack , 1998, Dictionary of symbols: an illustrated guide to traditional images, icons and emblems. Chronicle books, UK
- Williams, Georje , 2003, Handbook hindu mythology. Oxford England